

سیر آغاز

هوشیار باشیم

در دورانی که علم اقتدار آفرین است و فاصله و شکاف علمی در جهان در حال توسعه روز به روز عمیق‌تر می‌شود این جمهوری اسلامی ایران است که گوی سبقت را در بسیاری از کشورهای پیشرفته ربوده و توازن علمی را به سود خود بهم زده است. حقیقت غیر از این نیست که پیشرفت‌های جمهوری اسلامی در این سه دهه‌ای که از انقلاب اسلامی گذشته جهانیان را شگفت زده کرده و آرامش دشمنان را برهم زده است. نباید از این نکته نیز غافل شویم که این پیشرفت‌ها در کشور ما با وجود مشکلات و موانع بزرگی همچون فشار قدرت‌های بزرگ، تحریم‌ها، تهدیدها، جنگ تحمیلی و... حاصل شده است. حقیقت آن است که رمز موفقیت جمهوری اسلامی این است که توانسته با تکیه بر الطاف الهی و اراده و نگاه معطوف به نیروها و استعدادها داخلی ایران و ایرانی انحصارهای علمی جهان را در هم شکند و مایه مباهات مستضعفین جهان شود.

حرکت در این مسیر نیازمند داشتن روحیه مبارزه‌طلبی و عدم اتکا به قدرت‌های بزرگ و توجه به نیروهای درون‌زاست. اگر نگاهی به تاریخ بیندازیم می‌بینیم که بعد از رنسانس کشورهای غربی علم را در انحصار خود قرار داده و آنرا وسیله‌ای در راستای اهداف پلید سیاسی خود قرار دادند. هر کجا که بوی استعمار می‌آید قطعاً نفوذی به منظور توقف مسابقه‌ی علمی در آن کشور شده است. استادان و دانشجویان ما باید هوشیار باشند و جهاد علمی را سرلوحه‌ی تلاش‌های خود کنند. همانگونه که مقام معظم رهبری فرمودند: «یک ملت برای اینکه با کرامت زندگی کند، احتیاج دارد به قدرت. عامل اصلی که به یک ملت اقتدار می‌بخشد، علم است. علم، هم می‌تواند اقتدار اقتصادی ایجاد کند، هم می‌تواند اقتدار سیاسی ایجاد کند. بنابراین باید این حرکتی که وجود دارد، این شتابی که وجود دارد، به هیچ وجه متوقف و کند نشود.»



وی در ادامه افزود: این سخن به معنای آن نیست که لزوماً پیروان مذاهب اسلامی به یک مذهب خاص گرایش یا باور داشته باشند، بلکه به معنای کنار نهادن دشمنی و خصومت‌های فرقه‌ای است.

مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه افزود: شیعه و بخش عظیمی از اهل سنت در طول تاریخ پیام‌آور صلح بوده و همواره از خون‌ریزی و کشتار پرهیز کرده‌اند و این یکی از نشانه‌های نزدیکی به سنت پیامبر رحمت می‌باشد. شیعه این مسیر را از امام اول خود یعنی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) آموخت که در جریان حاکمیت خلفای سه‌گانه در صدر اسلام در عین حال که احتیاج و اقامه برهان بر مسیر اصلی و سنت واقعی پیامبر خدا (صلوات الله علیه و علی آله) داشتند و هیچگاه در عمل به نزاع و اختلاف و کشتار راضی نشدند و بلکه همواره و حتی المقدور یار و مددکار خلفا بودند.

دکتر فلاح رفیع در بخش پایانی سخنان خود وحدت و پیوستگی توده‌های عظیم مسلمانان را بیش از هر زمان دیگر مهم و اساسی دانست و افزود: در عصر حاضر وحدت و همدلی و پرهیز از خشونت در ابعاد مختلف آن تنها در سایه‌ی سیره و سنت واقعی پیامبر (صلی الله علیه و آله) میسر است؛ امری که سعادت بشریت را در پی دارد. وی تأکید کرد: این همان چیزی است که ما از آن به جامعیت عقلانیت در سنت پیامبر خاتم یاد می‌کنیم. البته متفکران و اندیشمندان اسلامی می‌بایست در این باره به تفکر بپردازند. البته از اولی‌ترین و ضروری‌ترین مقدمات این کار، کنار نهادن تمایلات نفسانی و داشتن نیت خالصانه است که با تمسک و توسل به آن حضرت میسر خواهد بود.

عربستان تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌الملل است
**دستگاه دیپلماسی باید مقابل
عربستان بهتر عمل می‌کرد**

صفحه ۱۲

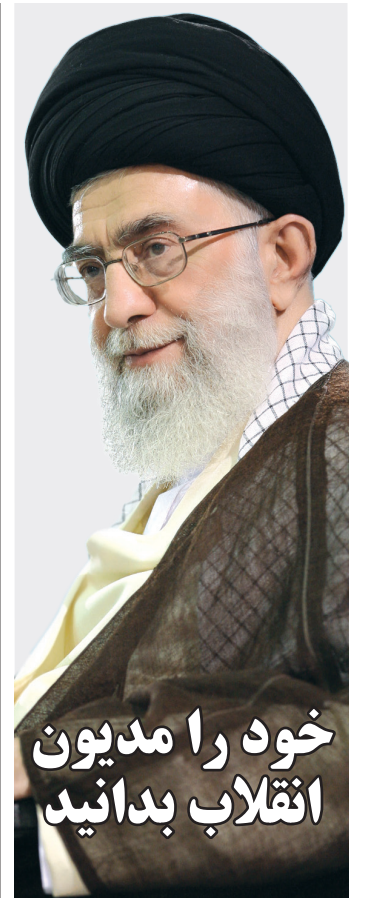
- ۲ زنده بمانم یا بروم دانشگاه؟
- ۳ وقت کم نیاورید!
- ۵ کمپین «زیر آب زنی»
- ۶ خشت کج
- ۶ گوشی موبایل با قدمت ۸۰۰ سال؟!
- ۸ احزاب و انتخابات
- ۹ پاشنه آشیل در سیاست داخلی عربستان
- ۱۱ ایرانی که بود؛ ایرانی که هست!



ضرورت هر چه بیشتر وحدت در زمان حاضر

دکتر فلاح رفیع در بخش دیگری از سخنان خود ضمن اشاره به فتنه‌های فرقه‌ای و اختلافات خود ساخته مذهبی ابراز داشتند: جهان اسلام از دیرباز با توطئه‌های دشمنان و نادانی و جهالت عده‌ای دچار فرقه‌گرایی بوده است. چیزی که آسیب زیادی به وحدت مسلمین زد و موجب تسلط بیگانگان بر جهان اسلام و منابع گوناگون انسانی و اقتصادی آنها شد. عضو هیأت علمی دانشگاه در ادامه تأکید کرد: تنها راه نجات از توطئه‌ها و رسیدن به آرامش در سطح جهانی بویژه دنیای اسلام تمسک به سنت واقعی و سیرت و سیره‌ی حقیقی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) می‌باشد. فهم و درک این سنت و عمل به آن ممکن نیست مگر از طریق ولایتی که آن حضرت خود بر آن تأکید داشتند. با کمال تأسف ما شاهد هستیم که مسلمانان آنگونه که شایسته بود به سنت قولی و فعلی پیامبر تمسک نجستند و این امر موجب شد تا مصیبت‌های بسیاری را متحمل شوند و امروز اگر بازگشت به آن نکنند، همچنان مصیبت‌ها کمابیش استمرار می‌یابد.

دکتر فلاح رفیع مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه، در ادامه‌ی سلسله مباحث خود در زمینه «عقلانیت دینی و مقایسه آن با مکاتب دیگر» در شورای دانشگاه، به مناسبت هفته‌ی وحدت بحث خود را به موضوع «پیامبر و جامعیت در عقلانیت» اختصاص دادند. ایشان در ابتدای جلسه ضمن تبریک ولادت پیامبر خاتم (صلی الله علیه و آله) و امام جعفر صادق (علیه السلام) و گرامیداشت حماسه نهم دی ماه ابراز داشت: جاذبه‌ی معنوی و قرب پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به درگاه الهی چنان بود که همه‌ی هستی را شیفته خود کرده است. پیامبری که خدای متعال در قرآن کریم او را به اوصافی چون «خلق عظیم» و «رحمت عالمیان» ستوده است و محبت و مودت او و اهل بیتش را هم‌تراز و هم‌سنگ محبت خود برشمرده است، از مقامی پس والا در پیشگاه الهی برخوردار است که ما نمی‌توانیم حتی آن را تصور کنیم.

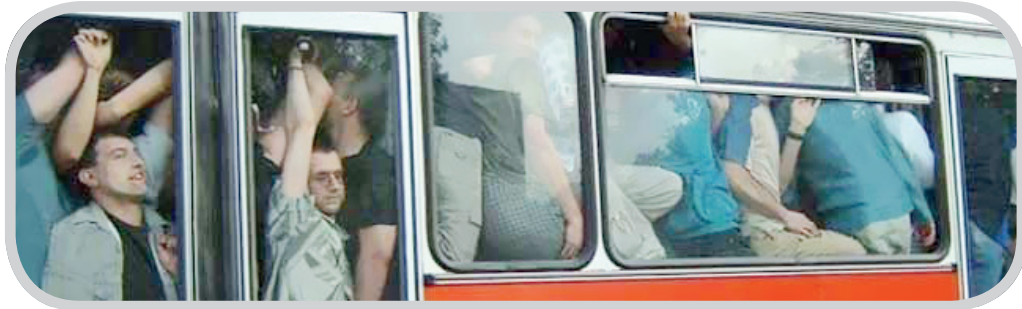


خود را مدیون
انقلاب بدانید



این پیشرفت علمی و این توفیقاتی که تا امروز در محیط علمی کشور اتفاق افتاده است، به برکت انقلاب اسلامی است؛ این به برکت اسلام است، به برکت انقلاب است. اگر عامل فعال و پیشبرنده‌ی انقلاب و اعتقاد دینی نمی‌توانست اوضاع کشور را به طور عموم و از جمله در مسئله‌ی علم تحت تأثیر قرار دهد، یقیناً شعاع نفوذ قدرت‌های سلطه‌گر اجازه نمی‌داد یک کشوری مثل ایران که آنها چشم طمع به آن دوخته‌اند بتواند در زمینه‌ی علم این پیشرفت‌ها را بکند و این خودباوری و اعتماد به نفس را به دست آورد؛ نمی‌گذاشتند؛ کما اینکه جاهای دیگر هم نمی‌گذارند؛ آنجایی که آنها تسلط و نفوذ دارند. این انقلاب اسلامی بود که آمد آن فضا را شکست و فضای علمی را غالب کرد. بنابراین همه باید خودمان را مدیون بدانیم و متعهد بدانیم به حفظ و پاسداری آرمان‌های انقلاب و ارزش‌های انقلاب.

اندر احوالات سرویس یکی از خوابگاه‌های دانشگاه زنده بمانم یا بروم دانشگاه؟



انسیه فتحی

دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات زنان
دانشگاه تربیت مدرس

ساعت ۷ صبح؛ خوابگاه دخترانه‌ی بهار. همه داخل سالن روبروی نگهبانی جمع‌ن تا خبر رسیدن سرویس رو اعلام کنن. آگه به حرکات حساب شده دانشجویها دقت کنی انگار همه به جورایی غیرمستقیم خودشون رو به نزدیک‌ترین فاصله از در ورودی می‌رسونن البته خیلی نامحسوس انگار زشته بقیه بفهمن که ما می‌خوایم زودتر از در بزیم بیرون. یه وقت کسی نگه عجله نکنید همه میریم دیر و زود داره ولی سوخت و سوز نداره. ولی احتمالاً اونایی که در تقلا زود سوار شدن به سرویس هستن تو دلشون میگن چرا سوخت و سوز داره! آگه دیر برسیم همین دو لقمه صبحانه‌ای که خوردیم هم باید سوخت بشه.

دوم را دیده‌ام اما اینکه به کجا رسیدن آیا اصلاً به دست مسئولان رسیده یا نه و اگر رسیده چه عکس‌العملی از طرف آنها بوده رو در جریانش نیستم. البته این مشکل فقط یکی از چندین مشکلات دانشجویان خوابگاه‌هاست. به نظر میرسه اگر مسئولان و معاونت‌های مختلف دانشگاه در خوابگاه‌ها حضور مداوم که نه! هر ترمی یکبار هم می‌داشتن دیگر نیازی به نوشتن این مسائل نبود البته از اون مدل حضورها که پیگیری امور و برطرف کردن مشکلات رو به دنبال داشته باشه رو منظورمه چون این حضورها می‌تونه میانبری باشه برای رفع مشکلات و البته نه جلساتی که فقط بازدید باشه و یا در ایام فورجه‌ها یا تعطیلی دو ترم باشه یا مسئولین کلاً ۱۰ دقیقه برای یک خوابگاه وقت داشته باشن یا حضورشون تو خوابگاه همون روز اطلاع‌رسانی بشه، اینارو به این دلیل گفتم چون بعضی از مسئولین خوشبختانه یا متأسفانه بسیار بسیار در این مسائل نکته‌بین هستنند...

چقدر خوبه آدم زود خوابش ببره‌ها!!! یا انگار یه شفق قطبی تو آسمون نظرشون رو جلب کرده طوری که از اون اول که منو دید تا حالا داره از پنجره به آسمون نگاه می‌کنه. یا اونایی که یادشون میاد دنبال یه چیزی تو کیفی‌شون باید بگردن. آره این همش بخاطر اینکه تو یه وقت نری کنار صندلی اونا و ایستادی و اونا هم مجبور شن بگن بده کیفیتو نگه دارم. آخه واقعا کیف بعضیا سنگینه توش لپ‌تابو و دفتر و کتاب هست خب چه توقعاتی دارن از آدم. اون نفر اول بنده خدا هر جا و ایسته یه جور یهش نگاه می‌کنن انگار که این همه جا! برو یه جای دیگه و ایستا خب. از اونجایی که سرویس خوابگاه مثل اتوبوس واحد نیست که دستگیره داشته باشه تا اون نفر اول از دستگیره بگیره و کنترل خودشو حفظ کنه و نیفته باید به گوشه‌ی یکی از صندلی‌ها تکیه بده و صاف ایسته که مبدا آرنجش و کیفیش نرن تو چشموچال اون که نشسته. خلاصه بقیه ایستاده‌ها هم تقریباً از ابتکار نفر اول تو ایستادن استفاده می‌کنن. از اونجایی که مسیر دانشگاه یک مسیر صاف نیست و قطعاً چندین میدون و چراغ قرمز و چندین اتفاق که منجر به توقف ناگهانی میشه پیش میاد. تمام دانشجویان ایستاده باید با رعایت خونسردی خودشون در مراعات حال دیگران کوشا باشن و از هرگونه ایجاد موج مکزیکو و یا سایر کشورها خودداری کنن. ولی واقعا آدمی که کیف دستشه اونم

در سرویس خوابگاه ما، همیشه افرادی که زودتر اومدن و نشستن همیشه مورد غبطه بقیه قرار میگیرن ولی اصل داستان مربوط به اونایی هست که جا برای نشستشون نیست و می‌ایستن. اولین نفری که سوار میشه و با یک رصدکلی میفهمه جا برای نشستن نداره اولش لبو لوچش آویزون میشه و به اولین دوستش که میرسه با یه حالتی که انگار تمام غم‌های دنیا مال اونه میگه: خوش بحالت که جا گیرت اومد و نشستتی. این نفر اول خیلی گناه داره چون اولاً اولین کسی هست که داره بار سنگین نگاه‌ها رو تحمل میکنه چرا؟! آخه همه بجورایی با چشاشون دارن بهش میگن ای تنبل ای تنبل باز دیر اومدی حالا بکش سرپا و ایستا تا در دفعه‌ی بعد مثل ما از یه ربع قبل آماده شی بیایی پایین منتظر بمونی. حَقْتَه حَقْتَه فردا روز..... (با دانش کودکی خود کامل کنید)

سخت‌ترین قسمت‌های این مسیر اونجاهایی هست که به دوست که نه همیشه گفت! افرادی که با هم سلام و علیک دارین میرسین. و اای انگار که چند ساله خواب رفتن حالا وقتی سوار شدین شما رو دید ولی الان چشمش بسته‌ست.

در سرویس خوابگاه ما، همیشه افرادی که زودتر اومدن و نشستن همیشه مورد غبطه بقیه قرار میگیرن ولی اصل داستان مربوط به اونایی هست که جا برای نشستشون نیست و می‌ایستن. اولین نفری که سوار میشه و با یک رصدکلی میفهمه جا برای نشستن نداره اولش لبو لوچش آویزون میشه و به اولین دوستش که میرسه با یه حالتی که انگار تمام غم‌های دنیا مال اونه میگه: خوش بحالت که جا گیرت اومد و نشستتی.

جای شکر داره که از پنجره پرت نشده بیرون آخه در این صورت خونت پای خودته چون بیمه به افرادی که داخل بوفه اتوبوس (اون پنج تا صندلی آخر اتوبوس رو میگن بوفه!) هم میشینن تعلق نمی‌گیره چه برسه به افراد ایستاده! حادثه همیشه در کمینه و اینکه پیشگیری بهتر از درمانه رو فکر می‌کنم باید همه بهش توجه کنیم مخصوصاً مسئولین دانشگاه. نکنه فردا خدایی نکرده اتفاقی بیافته یه قطره خون از دماغ دانشجویی بیاد بعد در جواب خانواده‌ها بگن بچه شما که دید دیکه ظرفیت اتوبوس تکمیله سوار نمی‌شد! یا بگن ما از این وضعیت بی‌اطلاع بودیم! نکته‌ی مهم اینجاست که سرویس‌های دانشگاه بی‌آر تی‌های سطح شهر نیستن که باید میلیونی آدم جابه جا کنن و مجبوری همه رو روی سرم هم سوار کنن. برای این خوابگاه هم که در تمام ساعت‌های رفت و اومد به دانشگاه این همه ازدحام وجود نداره. بهتر نیست با فرستادن دو سرویس در این ساعت خاص برای این خوابگاه از خطرات احتمالی که هر روزه دانشجویان رو تهدید می‌کنه و همچنین نارضایتی اونا در این زمینه کم کرد. اینکه دانشجویان هر از گاهی نامه می‌نویسن و امضا جمع می‌کنن برای درخواست یک سرویس

پای درد و دل بچه‌های دانشکده زیست

اتاقی برای استراحتم آرزوست



یکی از همین دانشجویها

قرار است پای درد و دل بر و بچه‌های دانشکده‌ی علوم زیستی بنشینیم. دانشجویانی که جنس کارهایشان کمی با بقیه متفاوت است... سریع بروم سر اصل مطلب. اینجا دانشجویانی را پیدا

افزوده شود... غمی از جنس دو برابر شدن هزینه تغذیه و خوابگاه و استادی که از حال و روز دانشجوی عزیز بی‌خبر است! آری اینها نه همه‌ی حرف‌ها بلکه گوشه‌ای از درد و دل‌های بچه‌های دانشکده‌ی ما بود که توقع داریم شنیده شود نه برای دلیل تراشی و موضع‌گیری برای اینکه به همه‌ی مسوولین و اساتید گرمایمان بگوییم خوبی‌های شما کم نیستند ولی حل مشکلات دانشجویی که می‌تواند فرزند شما باشد جای دوری نمی‌رود.

برخی از آزمایشگاه‌ها علیرغم کم نبودن افرادی که در آن کار می‌کنند! و عدم تهویه مناسب در آزمایشگاه‌های بخش شیمی هوایی به بوی خوش! و خراب بودن... و مدت طولانی خراب ماندن و عدم توجه برخی از اساتید به اینکه دانشجوی بی‌نوا سرگردان دانشگاه‌های دیگر شده! هم که بگذریم سخن دوست خوش‌تر است اینجای داستان بود که به یاد گریه‌های دوستم افتادم و دلم می‌خواهد از همین جا به آن استاد عزیزی که از کار کردن دانشجویان دیگر با دستگاه‌های آزمایشگاهش خودداری می‌کند سلامی عرض کنم و از تمام اساتید عزیز بخوایم که بیابید باهم مهربان‌تر باشیم... آن دانشجویی که به خاطر تعریف یک پروژه‌ی طولانی از طرف استاد گرمی به جای دو سال کارش به ترم پنج و شش می‌رسد جریمه باید گریبان استاد را بگیرد نه اینکه تازه بعد از اینهمه روزهایی که به علت نداشتن مواد آزمایشگاهی و خراب بودن دستگاه‌ها و... کارش به تاخیر افتاده غمی بر غم‌هایش

در یک مکان گرم و آرام تا اینکه لافل برای ادامه‌ی کار تمرکز لازم را داشته باشند و اگر سری به دانشکده ما بزنید چنین مکانی را نخواهید یافت مگر اتاق سرد و تاریکی که اتاق استراحت نام دارد! اینجا... دانشگاه تربیت مدرس... دانشکده علوم زیستی آزمایشگاهی داریم که سقف آن از یک نقطه که نه از چندین سوراخ ریز و درشت چکه می‌کند و گاهی باران رحمت از سقف آزمایشگاه اسباب رحمت می‌شود برای دانشجویی که جزوه‌ها و دفتر کارش که بماند لپ‌تاپش نیز از این فیض بی‌بهره نمی‌ماند...
اصلاً از کوچک بودن فضای

می‌کنی که گاهی خودشان از صبح تا شب با موادی سرطان زا کار می‌کنند تا شاید راهی برای درمان سرطان پیدا کنند. گاهی اینقدر درگیر انجام آزمایشات مختلف می‌شوند که فراموش می‌کنند مدت طولانی گذشته و همچنان سرپا ایستاده‌اند. و آنوقت اگر از آنها پرسوی بعد از یک روز کاری پرمشغله با انجام تست‌هایی که نیاز به یک کار پیوسته داشته‌اند چه چیزی می‌چسبد شاید خواهند گفت استراحت

اینجا... دانشگاه تربیت مدرس... دانشکده علوم زیستی آزمایشگاهی داریم که سقف آن از یک نقطه که نه از چندین سوراخ ریز و درشت چکه می‌کند و گاهی باران رحمت از سقف آزمایشگاه اسباب رحمت می‌شود برای دانشجویی که جزوه‌ها و دفتر کارش که بماند لپ‌تاپش نیز از این فیض بی‌بهره نمی‌ماند...



اتفاقیه

عضویت دکتر مرسلی
در کمیته تخصصی
آموزش عالی



با حکم معاون آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دکتر علی مرسلی به سمت عضو کمیته تخصصی علوم و فناوری نانو گروه میان رشته‌ای دفتر برنامه ریزی آموزش عالی منصوب شد. با حکم دکتر مجتبی شریعتی نیاسر معاون آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دکتر علی مرسلی به مدت ۲ سال به سمت عضو کمیته تخصصی علوم و فناوری نانو گروه میان رشته‌ای دفتر برنامه ریزی آموزش عالی منصوب شد. در بخشی از این حکم آمده است: در اجرای ماده ۹ آیین نامه شورای عالی برنامه ریزی آموزشی به منظور پشتیبانی و ارائه خدمات کارشناسی و مشورتی در امر برنامه ریزی و نظر به تعهد، تخصص و تجارب ارزنده جنابعالی، به موجب این حکم برای مدت دو سال به سمت عضو کمیته تخصصی دفتر برنامه ریزی آموزش عالی منصوب می‌شوید. امید است با استعانت از خداوند متعال و بهره گیری از خرد جمعی و تعامل و هم اندیشی با تمامی اعضای گروه، انجمن‌های علمی و افراد صاحب نظر در انجام امور محوله بر اساس شرح وظایف مصوب موفق باشید. گفتنی است دکتر علی مرسلی استاد رشته شیمی معدنی دانشکده علوم پایه دارای افتخارات بسیاری همچون عنوان پژوهشگر برگزیده و دانشمند منتخب است. وی همچنین دارای عناوین و رتبه‌های برتر در جشنواره‌های معتبری نظیر جشنواره خوارزمی و جشنواره نانو فناوری می‌باشد. دکتر مرسلی در سال ۹۰ به عنوان پراستنادترین نویسنده ایرانی در نمایه‌های بین المللی از سوی وزارت علوم انتخاب شد. وی تاکنون حدود ۳۰۰ مقاله در مجلات معتبر بین المللی به چاپ رسانده است.

آیا تربیت مدرسی‌ها واقعا وقت ندارند؟
وقت کم نیاورید!



موارد مهم دیگر در مدیریت زمان است. اینکه از قبل بدانیم در هر لحظه چه کاری باید انجام شود در کاهش اتلاف وقت بسیار کمک خواهد کرد. برای این کار نیاز به اطلاعات اولیه است. اینکه بدانیم سرویس خوابگاه در چه هابی حرکت دارد؟، زمان شروع زمان و پایان غذاخوری چه زمانی است؟ و... در این برنامه‌ریزی به ما کمک خواهد کرد. به طور حتم هر چه شما دقیق‌تر زمان‌بندی برای کارهای روزانه داشته باشید، اتلاف وقت کمتر و به طبع بازدهی مدیریت زمان بیشتری خواهید داشت. پس برای هر روز لیست کارها را از روز قبل فراهم کرده، اولویت بندی کنید و زمان دقیق انجام آنها را نیز پیش بینی کنید. در پایان همان روز با توجه به چک لیست خود انحراف‌های بینی را احصاء کرده و عملکرد و پیش برای روزهای بعدی از آنها پند بگیرید.

در مدیریت زمان نکته بسیار مهمی دیگری که می‌تواند به خصوص در زندگی دانشجویی کارگشا باشد، مشارکت با دیگران است. این اصل یعنی برای اینکه وقت کم نیاوریم، از نقاط قوت یکدیگر استفاده کنیم. یکی از دلایل کمبود وقت، عدم تسلط به کار مورد نظر است. مثلاً وقتی در خصوص یک مطلب علمی مشکلی داریم، یکی از بهترین و سریعترین کارها مراجعه به دوستان دانشجو است. که احتمالاً در خوابگاه نیز ساکن هستند. متأسفانه یکی از عواملی که از این رویکرد جلوگیری می‌کند، غرور کاذبی است که بعضاً در جوان‌ترها بیشتر است. اگر زمان برایمان مهم است، باید از غرور کاذب دست برداشته و سراغ اهل فن برویم. در زندگی دانشجویی در خوابگاه فرصت بسیار خوبی برای این کار فراهم است. برنامه‌ریزی روزانه کارها، یکی از

کارگشا خواهد بود. برای ترم حاضر نیز باید به خوبی آمادگی کسب کرد. اینکه در شب آزمون، خود را برای آزمون آماده کرده و دچار استرس و شب‌بیداری مزمن شویم؛ ناشی از عدم برنامه‌ریزی برای ترم تحصیلی است. برای رفع این مشکل بهتر است از ابتدای ترم تحصیلی با توجه به اهمیت و اولویت دروس به صورت روزانه، هفتگی و ماهیانه وقت گذاشت. به عنوان مثال بهتر است در هر روز که درس جدیدی توسط اساتید ارائه می‌گردد در ی بعد قبل همان روز مرور شود. در هفته از کلاس مربوطه نیز مرور شود. در هر ماه نیز به اندازه مرور کلی مباحث مطرح شده در ماه، وقت گذاشت. با این کار در روز آزمون نیازی به شب‌بیداری برای آمادگی آزمون نخواهد بود. اگر از گذشته خوب درس بگیریم و حال را نیز به خوبی استفاده کنیم، به صورت خودکار آینده‌ای امیدوارکننده خواهیم داشت.

خودباوری یکی از مهم ترین لوازم جرات ورزی است



ویژگی‌های جرات ورزی است. افرادی که این مهارت را ندارند، معمولاً خود را دست کم می‌گیرند. اگر به موفقیتی دست یابند نه تنها از این بابت خوشحال نشده، بلکه آن را باور ندارند. آن‌ها در مواجه شدن با موفقیت‌های دیگران هم خوشحال نشده و آن را با شانس مرتبط می‌کنند و مدام در حال عیب‌جویی و عیب‌گیری از دیگران هستند. این قبیل افراد به دلیل فقدان جرات‌ورزی در خانواده به لحاظ عاطفی دچار مشکل هستند و درگیر سوء برداشت‌ها و در نهایت عدم ارتباط می‌شوند. این مورد در دراز مدت آن‌ها را با مشکلات جسمی و روحی بسیاری مواجه می‌کند. دکتر فاطمی در اشاره به راه‌های ایجاد مهارت جرات‌ورزی در خانواده اظهار داشت: جرات‌ورزی با پذیرش توانایی‌های خود و

در یک سو با افرادی مواجه هستیم که دچار رفتارهای انفعالی هستند و نه تنها قدرت ابراز احساس، نظر و بیان خواسته‌های خود را ندارند بلکه قادر به نه گفتن و حتی آری گفتن هم نیستند. این افراد اجازه هرگونه سوء استفاده را به دیگران می‌دهند. بسیاری از افرادی که در این گروه قرار می‌گیرند در دوران کودکی دچار سوءاستفاده‌های جسمی، روحی و جنسی قرار گرفته‌اند و سلامت آن‌ها به مخاطره افتاده است. در نقطه مقابل این گروه، با افرادی مواجه هستیم که به شدت حمله کننده بود، رفتارهای کنترل کننده، تهاجمی، پرخاش گرانه همراه با تحقیر و تندی بسیار دارند. وی در خصوص آثار فقدان جرات ورزی گفت: خود باوری یکی از مهم‌ترین

دومین جلسه از دوره‌های آموزشی چهارگانه مهارت‌های شناختی با موضوع مهارت جرات ورزی و نه گفتن با حضور دکتر محسن فاطمی در سالن اجتماعات شهید مطهری دانشگاه برگزار شد. دکتر فاطمی در آغاز جلسه به ارائه معنای جرات ورزی پرداخت و گفت: جرات ورزی به این معناست که ما بتوانیم روشن، صریح و بدون تراس و هراس خواسته‌ها و نیازهای خود را مطرح کرده و علایق و دغدغه‌های خود را به فرد مقابل منتقل کنیم. وی افزود: افرادی که از مهارت جرات ورزی بی‌بهره هستند ویژگی‌های ظاهری و رفتاری خاصی دارند. این افراد نمی‌توانند مطالب را روشن بیان کنند. با هراس صحبت کرده و در خانواده قادر به بیان نیاز خود به همسر و فرزندان خود نیستند. آثار کلامی آن‌ها با تردید و تشکیک همراه است و از اصوات مبهم و نامشخص در ضمن صحبت استفاده می‌کنند. این افراد دچار تکرارهای ملال آور در کلام و حالات خود هستند و حرف زدن آن‌ها با لرزش و سستی بسیار، همراه است. دکتر فاطمی در ادامه به رفتارهای انفعالی و رفتارهای تهاجمی در دوسوی رفتارهای مبتنی بر مهارت جرات ورزی اشاره کرد و اظهار داشت: اگر مهارت جرات ورزی را در وسط در نظر بگیریم،





پنج عضو هیات علمی دانشگاه در میان برترین های علمی کشور



معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری در راستای دستیابی به مرجعیت علمی جهانی، افزایش کیفیت علمی کشور، افزایش تعاملات بین المللی با محققان معتبر جهان، استفاده از زیرساختها و امکانات مراکز معتبر علمی جهان و کمک به توسعه کیفی علم و فناوری کشور برنامه های حمایتی را تحت عنوان فدراسیون سرآمدان علمی ایران آغاز نموده است.

بر این اساس، فدراسیون سرآمدان علمی ایران، نام ۱۰۰ نفر از سرآمدان علمی کشور را جهت حمایت از دستاوردهای علمی و پرداخت گرنت های پژوهشی معرفی کرد.

دکتر مسعود گرشاسبی، دکتر میرفضل اله موسوی، دکتر علی مرسلی، دکتر سهراب سنجابی و دکتر یدالله یمنی، ۵ عضو هیات علمی دانشگاه هستند که نام آنها در میان صد سرآمد علمی کشور که از سوی فدراسیون سرآمدان علمی ایران معرفی شده است، به چشم می خورد.

گفتنی است معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری در اردیبهشت ماه سال ۹۴، اقدام به تدوین آیین نامه حمایت از دستاوردهای علمی معتبر و راه اندازی فدراسیون سرآمدان علمی ایران با هدف دستیابی به مرجعیت علمی جهانی کرده است. مطابق این آیین نامه به افرادی با دستاوردهای علمی معتبر، برگزاری رویدادهای داخلی معتبر، انتشار مقاله در مجلات معتبر، ارائه سخنرانی در کنگره های معتبر بین المللی، شرکت در دوره های مطالعاتی معتبر و ... مبالغ تشویقی پرداخت می گردد.

هیئت تحریریه ی نشریه چشمه؛ ضمن تبریک به اعضای هیئت علمی دانشگاه از درگاه خداوند متعال برای این اساتید فرهیخته توفیقات روزافزون را خواستار است.

تویی که مسئولان به زمین یکدیگر پرتاب می کنند:

داوطلبی که به اشتباه در مقطع دکتری ثبت نام نمی شود!



دانشجو پذیرش می کند و اگر در دفترچه آزمون اعلام شده باید داوطلبی که توسط سنجش معرفی و پذیرفته می شود در دانشگاه مقصد ثبت نام شود. وی افزود: چنانچه ظرفیت دانشگاه یک نفر اعلام شده است موظف است که دانشجو را ثبت نام کرده و کلاس های آموزشی را برگزار کند. دکتر جلالی معاون آموزشی دانشگاه تربیت مدرس در این خصوص گفت: اگر تعداد دانشجویان به حد نصاب نرسد کلاس تشکیل نمی شود دانشگاه تربیت مدرس فقط مهر تا مهر دانشجو پذیرش می کند و اگر دانشجویی نیمسال دوم به دانشگاه معرفی شود پذیرش نمی کنیم. وی در ادامه افزود: ظرفیت دانشگاه برای رشته مهندسی بیوسیستم ۵ نفر است که مهرماه پذیرش انجام شده و ظرفیت این رشته تکمیل شده است که اگر سازمان سنجش نفر ۶ را معرفی کند دانشگاه پذیرش نخواهد کرد. در پایان باید گفت که این تنها مورد اشتباهی نیست که از سوی دانشگاه ها و سازمان سنجش اتفاق افتاده و به جای پذیرش اشتباه خود و حل مشکلات داوطلبان توپ اشتباه را به زمین یکدیگر پرتاب می کنند که در این بین داوطلبانی هستند که با رتبه های برتر متضرر می شوند.

در آزمون کتبی، پیش از برگزاری مصاحبه نیز طی دو درخواست اینترنتی انصراف از استفاده از سهمیه رزمندگان را به مسئولین سازمان سنجش اعلام نمودم که متأسفانه با بی توجهی، نظر اینجانب اعمال نگردید. اینجانب همچنین طی نامه ای به اشتباه سازمان سنجش در اعمال قانون و ایجاد مشکل برای اینجانب اعتراض نمودم ولی نامه به کارشناسان ارجاع شده و پاسخ عملی دریافت نمودم. همچنین پیش از این اعتراض خود را به وزیر محترم علوم اعلام نمودم و نامه به سازمان سنجش ارجاع داده شده است. همچنین وزیر محترم علوم از رئیس سازمان سنجش تعیین تکلیف اینجانب را درخواست نموده است. اینجانب ماه هاست که موضوع پذیرش در دانشگاه تهران (دوره - روزانه) را پیگیری می کنم و مسیر شهرستان تا تهران را به امید استیفاء حق خود می پیمایم ولی تاکنون به نتیجه نرسیده ام و حداقل یک ترم و در صورتی که پیگیری دیوان عدالت اداری نیز موثر نباشد، برای همیشه ادامه تحصیل را از دست داده ام.

شکایت اینجانب به دیوان ثبت شده و به بنده گفتند تا صدور رای حداقل ۶ ماه زمان می برد! حسین توکلی، مشاور عالی سازمان سنجش آموزش کشور در خصوص علت ثبت نام نشدن این داوطلب در دانشگاه تربیت مدرس گفت: سازمان سنجش بنا بر اعلام دانشگاه،

قانون جامع خدمات رسانی به ایثارگران بایستی معیار پذیرش، ۷۰ درصد نمره آخرین فرد پذیرفته شده قرار بگیرد، حال آنکه سازمان سنجش معیار را ۷۰ درصد نمره حد نصاب اعلام شده توسط دانشگاه (حد نصاب نمره مصاحبه) قرار داده است، بدون اینکه برای سیستم پذیرش قیدی با عنوان آخرین فرد پذیرفته شده بگذارد. با این تفسیر از قانون بنده به تنهایی در دانشگاه تربیت مدرس قبول شده ام و دانشگاه به دلیل اینکه من تنها فرد پذیرفته شده هستم، از ثبت نام و پذیرش بنده خودداری کرده است و با توجه به اینکه هیچ داوطلب دیگری در این کد رشته محل پذیرفته نشده، برگزاری دوره دکتری برای یک نفر را ناممکن اعلام نموده اند. پس از پیگیری های مکرر و اعتراض به سازمان سنجش، من را به اولویت بعدی یعنی دانشگاه تهران معرفی نمودند ولی با توجه به اینکه ظرفیت این کد رشته محل نیز تکمیل بود، دانشگاه تهران نیز به دلیل عدم توانایی تقبل هزینه دانشجویی مازاد بر ظرفیت از پذیرش اینجانب خودداری نمود.

لازم به ذکر است که نمره نهایی اینجانب در اولویت دوم (کد رشته محل ۴۰۸۲) یعنی دانشگاه تهران بیشتر از نمره نفر سوم روزانه همین دانشگاه در سهمیه آزاد می باشد یعنی بدون احتساب سهمیه نیز دارای نمره قبولی بوده ام و با توجه به اینکه هیچ داوطلبی نمره قبولی تربیت مدرس را نداشته، طبق قانون جامع خدمات رسانی به ایثارگران بایستی به سهمیه آزاد منتقل می شدم و در نهایت به عنوان سومین فرد پذیرفته شده در دانشگاه تهران در سهمیه آزاد معرفی می شدم. با توجه به نمره مطلوب کسب شده توسط اینجانب



رژیم خودکامه آل سعود دچار مکر الهی شده است



ممکن نیست و بلکه هلاکت آنان را سرعت می بخشد؛ چرا که خداوند، انتقام خون مظلوم را خواهد گرفت. وی با برشمردن نقش رژیم سعود در فجایع غم انگیز حادثه منی و تجاوز خونین به یمن افزود: اعمال شنیع و تکان دهنده آل سعود، از مصادیق بارز حقیقت مکر الهی است که قدم به قدم آنها را بیشتر در آتش قهر الهی فرو می برد تا دودمانشان را بر باد دهد. عضو هیئت علمی دانشگاه در پایان افزود: این رژیم خودفروخته و جاهل مآبانه هم منابع زیرزمینی این کشور را به تاراج گذاشته است و هم ارزش های الهی را به بازیچه گرفته است. لذا به یاری و خواست خداوند متعال همانگونه که مقام معظم رهبری فرمودند این اعمال هلاکت این رژیم را در پی خواهد داشت.

هستند که حاضرند برای حفظ دستگاه ظلم شان، دست به هر جنایتی بزنند، تصریح نمودند: عده ای جوان بی فکر و بی سیاست دست به جنایات شیعی می زنند و غافل از اینکه حتی بقای حکومت با چنین اقداماتی

این گونه جنایت ها، قساوت قلب ظالمان تاریخ از جمله فرعون ها، هیتلرها، معاویه ها و یزیدها را مجسم می کند. ایشان با بیان اینکه سران فعلی رژیم آل سعود، حاکمان نادان و خودفروخته ای

دکتر علی فلاح رفیع مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه؛ در ابتدای جلسه تفسیر قرآن در مسجد قدس دانشگاه، ضمن محکوم نمودن اقدام جنایتکارانه رژیم آل سعود، شهادت عالم مجاهد آیت الله شیخ نمر باقر النمر، رهبر شیعیان عربستان، را تسلیت گفتند.

دکتر فلاح رفیع با ابراز تأسف از قربانی شدن ارزش های انسانی در عصری که ادعای پیشرفت علم و تکنولوژی و فرهنگ در عالم فراگیر است، افزود: شیخ نمر یک آمر به معروف و ناهی از منکر بود که به صورت علنی و با زبان نصیحت و موعظه اقدام می کرد. انسان با مشاهده



چرند چرند



به نام خالق اندیشه و قلم، و براستی که اگر همین دو را مصون از آلودگی بداریم، بخش بزرگی از حق بندگی را ادا کرده‌ایم. زین پس فرار است در هر شماره از مجله که برون می‌آید ستونی داشته باشیم، نه چندان بی شباهت با ستون برق. یعنی قرار است از صدقه سِری این ستون برخی روشن شوند و برخی هم خشک. انتخاب با مخاطب که کدام را برگزیند. اما نام ستون، دوست دارم نام آن "چرند چرند" باشد. اینگونه هم به دهخدا عرض ارادت می‌کنیم و هم به هم او جسارتی نکرده‌ایم. تا چه پیش آید و چه پس. آنچه پیش آید خوش آید و آنچه پس آید خدا بخیر. این ستون باشد که ثابت باشد و تلنگری بر تنگ ماهی، بلکن ماهی سیاه‌های کوچولو (همان ذهن به خواب رفته‌ی ما) بیدار شود و به خود آید، اندکی، لااقل. چهارچوب ستون اجتماعی است و با تکیه بر احوال دانشجو و جامعه. تعهد که نه، اما تلاش می‌کنیم بر این چهارچوب پایبند بمانیم. روال کار بر این قرار، قرار یافته که در هر شماره داستانی ذکر کنیم و در کنار آن سخنی بگوییم که خدا را خوش آید. در این شماره ابتدا سخن و بعد داستان:

سخنی اندر رفاه دانشجویان:

داستان: مردی در میدان سرخ اعلامیه پخش می‌کرد. ک گ ب او را شناسایی و دستگیر نمود. پس از بازرسی دیدند اعلامیه‌ها سفید است. به او گفتند: برای چه اعلامیه سفید پخش می‌کنی؟
پاسخ داد: حرفی برای گفتن نیست، همه چیز روشن است.



کمپین « زیر آب زنی »

را بیا. چراغ چپ بزن و به راست بپیچ. نبشی باش و دو پهلو سخن بگو تا همواره « وجیه المله » باقی بمانی. بوقلمون صفتی را ملکه‌ی ذهن خویش کن و با روان شناسی رنگ‌ها دام بساز. بدگویی و غیبت را ابزار مؤثر این حرفه قرار بده. از آن الگوی سیاست پیشگان بیاموز که خطاب به مرد خدا گفت: « تو عشق منی! » و بعد زیر آب او را زد.

روایت است که در محله‌ی « کاسیان » به طفلان بازی « داگوجی » (قایم باشک) می‌آموزند و آنان را به « ماقوله » و کلک در بازی عادت می‌دهند. آنگاه چشم یکی را می‌بندند و در پشت دیواری به نظاره‌ی او می‌نشینند تا تلو تلو و سکندری بخورد. برای خوشمزتر کردن بازی، او را تا نزدیک چاله یا چاهکی می‌آورند و از پشت، ضرب‌های به او می‌زنند تا کله پا شود! ضمن تفریح به او می‌گویند: این است سر نوشت کسی که با ما نمی‌پرد!

و برای آنکه پیش فرعون، زیر آبش را نزنند، از شهر گریخت. وقتی از کوه طور بر می‌گشت، دید که سامری زیر آبش را زده و مردم را گوساله پرست کرده است. به ناچار از خجالت این مرد ال‌دنگ هم درآمد. در زمان حضرت عیسی (علیه السلام) یک زیر آب زن حرفه‌ای در جمع یاران او نفوذ پیدا کرد، نامش یهودا بود، خداوند پیش از آنکه شری به او برسد، عیسی ناصری را به آسمان چهارم بالا برد.

در زمان پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) منافق زیاد شد. همه هم اهل زیر آب زنی بودند و اختلاف درست می‌کردند! پیامبر، مسجد ضرارشان را خراب کرد. قلعه‌ی خیبرشان را گرفت و زیر آب زن‌ها را تار و مار کرد. اما نسل زیر آب زن‌ها منقرض نشد تا بعد که توانستند از امیر المؤمنین و فرزندانش انتقام بگیرند و بر شمارگان نسل خود بیفزایند. سرانجام دانش محیر العقول زیر آب زنی، به سراسر جهان صادر شد. در انگلستان کمپینی به وجود آمد به نام وزارت مستعمرات، انواع شگردهای زیر آب زنی نوین، در این مرکز دسیسه‌پردازی ابداع گردید، ریخت‌شناسی کشورهای بی‌شماری را در این کمپین تغییر دادند. وقتی عمو سام که به ابلیس تنه می‌زد به این کمپین پیوست. جهان به خاک سیاه نشست. سرزمین ایران نیز پر شد از جمعیت زیر آب زن‌هایی که وصل به این کمپین بودند.

در اساس نامه‌ی زیر آب زنی، آمده است: جوای نام و نان باش! حقارت درونی خود را دست مایه‌ی انواع زیر آب زنی‌ها قرار بده! در تاریکی بنشین و روشنایی

اولین تجربه‌ی زیر آب زنی ابلیس بود که کاملاً جواب داد. تا اینکه نوبت به هابیل و قابیل رسید. وقتی خدا هدیه‌ی هابیل را قبول کرد. قابیل دماغ شد. « الحسود لا یسود » چون حسود آرامش ندارد؛ موضوع ازدواج با دختر آدم را بهانه قرار داد و به جان برادرش هابیل افتاد و زیر آب او را زد. حتی برادر را کشت تا « زن » زیر آب زنی، به نسل‌های بعد، انتقال یابد.

در روزگار نوح، همه زیر آب زن شده بودند. خدا نیز عصبانی شد و سر همه را زیر آب کرد. فقط آن‌ها که در کشتی نوح نشستند، نجات یافتند.

در زمان حضرت ابراهیم، همسرش ساره، بچه‌اش نمی‌شد. جناب ابراهیم با خدمتگزارش هاجر، ازدواج کرد، وقتی این یکی، بچه‌اش شد. ساره احساس خوبی نداشت، فکر می‌کرد ممکن است از چشم پیامبر بیفتد، بنابراین زیر آب هاجر را زد تا این که گذار مادر و بچه، به بیابان بی‌آب و علف حجاز افتاد. این بیابان برهوت، به خواست خدا، برای همیشه محل امن و اجتماع مردم شد و معلوم گردید که با زیر آب زنی، کسی ذلیل نمی‌شود.

بعد نوبت به حضرت یعقوب رسید. دوازده تا پسر داشت که ده تایشان زیر آب زن بودند. هر چه بلا و مصیبت بود به سر برادرشان یوسف آوردند، حتی کمر به قتلش بستند و او را به چاه ذلت انداختند، ولی خدا او را به مقام عزیزی مصر رسانید. در ادامه این نهضت، نوبت به حضرت موسی (علیه السلام) رسید، وقتی یکی از قبطنی‌ها زیر آب یکی از سبطی‌ها را می‌زد موسی با یک مشت کارش را ساخت

در انگلستان کمپینی به وجود آمد به نام وزارت مستعمرات، انواع شگردهای زیر آب زنی نوین، در این مرکز دسیسه‌پردازی ابداع گردید، ریخت‌شناسی کشورهای بی‌شماری را در این کمپین تغییر دادند. وقتی عمو سام که به ابلیس تنه می‌زد به این کمپین پیوست. جهان به خاک سیاه نشست. سرزمین ایران نیز پر شد از جمعیت زیر آب زن‌هایی که وصل به این کمپین بودند.

زیر آب زنی از جمله تکنیک‌ها و تاکتیک‌های جنگی و در نوع خود یک دانش است. حتی هنر و هنرمندی محض است! از دست هر کسی هم ساخته نیست. افراد بی‌سواد و عوام جماعت نیز جرأت و جسارت ورود به این عرصه‌ها را ندارند. فرماندهی چنین امر خطیری همواره در طول تاریخ در دست خواص و آقازادگان و نورچشمی‌ها بوده است.

حل مسائل

می‌دانست احتمالاً آنرا حل نمی‌کرد ولی چون به خود تلقین نکرده بود که مسأله غیر قابل حل است، فکر می‌کرد باید حتماً آن مسأله را حل کند و سرانجام راهی برای حل مسأله یافت. حل نشدن بیشتر مشکلات زندگی ما به افکار خودمان بر می‌گردد.

تمام آن روز و آن شب برای حل آنها فکر کرد. هیچ یک را نتوانست حل کند، اما تمام آن هفته دست از کوشش بر نداشت. سرانجام یکی را حل کرد و به کلاس آورد. استاد به کلی مبهور شد زیرا آنها را به عنوان دو نمونه از مسائل غیر قابل حل ریاضی داده بود. اگر این دانشجو این موضوع را

می‌گویند شخصی سر کلاس ریاضی خوابش برد. وقتی که زنگ را زدند بیدار شد، با عجله دو مسأله را که روی تخته سیاه نوشته بود یادداشت کرد و به خیال اینکه استاد آنها را به عنوان تکلیف منزل داده است به منزل برد و





محمدرافتی

دانشجوی دکتری تاریخ



خشت کج

موجودی ناسالم می‌کند. همه و همه زاییده مسائل اجتماعی است. امروز ایران از معدود کشورهایی است که توان هسته‌ای دارد، در مسأله سلول‌های بنیادی مطرح است، در رتبه بندی تولید علم در رده‌ی بیست و دوم قرار دارد، و صنعت بومی نانو اش قابل تحسین است. در سوی دیگر در مواردی که کم نیستند پوشش و آرایش‌ها دیگر ایرانی - اسلامی نیست. اخلاق اسلامی را فراموش کرده‌ایم. وجدان کاری اندک است و در مقابل حد معقول آن از نصف کمتر (با توجه به ۲/۵ ساعت کار مفید اداری در ایران)، و بدتر از همه اینکه تعریف مشخصی از خودمان نداریم. در بین الگوهای دینی و اسطوره‌ای سرگردانیم. درباره‌ی همه چیز بحث می‌کنیم و تقریباً از همه کس انتقاد.

راه برون رفت از این وضعیت جز در توجه جدی به علوم انسانی، و بازنگری در آن نیست. باید جایگاه علوم انسانی را شناخت و در جهت توسعه آن گام برداشت. رهبر معظم انقلاب بارها و بارها بر لزوم توجه به علوم انسانی و بازنگری در آن تأکید نموده‌اند. ایشان طی بیانات خود در تیرماه ۹۴ آورده‌اند: «در زمینه‌ی علوم انسانی عقبیم. دوستان که درباره‌ی علوم انسانی صحبت کردند، به درستی بر روی اهمیت علوم انسانی، حتی در صنعت، تکیه کردند؛ درست است... علوم انسانی بسیار مهم است. تحوّل در علوم انسانی که به دلایل بسیار یک امر لازم و ضروری است، نیاز دارد به جوششی از درون و حمایتی از بیرون». این شرایط نوید بخش آینده‌ای موفق است و امید که با عزمی جدی‌تر از سوی جامعه علمی، علوم انسانی به زودی جایگاه واقعی خود را پیدا کند و ابزاری استوار و کارآمد باشد برای نیل به چشم انداز ۱۴۰۴.

و متوجه توسعه‌ی ساختار سیاسی اداری دولت‌های غربی نشد. دیگر آنکه امیرکبیر دارالفنون را براساس یک مرکز فنی مهندسی پایه گذاری نمود. بدون تردید برای اندیشه‌ی نابالغ ایران دوره‌ی قاجار مشاهده و درک ظواهر بسیار راحت‌تر از فهم زیر بنا بود.

اگر امروز یک تحقیق مستند و جامع پیرامون مسائل و مشکلات جامعه ایران صورت گیرد، به قطع می‌توان گفت که مشکل را نه در مبادی تکنولوژی که در ساختار اجتماعی خواهد دید. اگر امروز کشورمان بازار مواد مصرفی و آرایشی شده است، اگر از یک سو خود کم بین هستیم و از سوی دیگر در توهم غرب و شرق و تاریخ باستان به سر می‌بریم، اگر مرغ همسایه غاز می‌شود، اگر کمتر کسی کار خود را به درستی و به تمامی انجام می‌دهد، و بسیاری از این اگرها که جامعه را تبدیل به

کسانی که معدل نمرات امتحانات آخر سال سوم آنها زیادتر بود به شعبه علمی فرستاد و بقیه را به شعبه ادبی، زیرا معتقد بود که شعبه ادبی حاجت به هوش و استعداد زیاد ندارد و هر کس می‌تواند مواد آن را به آسانی فرا گیرد. در نتیجه این عمل، دانش آموزان سال‌ها با نظر حقارت به شعبه ادبی می‌نگریستند و اغلب جوانان بی‌مایه بدان روی می‌آوردند و مدت‌ها طول کشید تا حقیقت آشکار و تا حدی انتخاب شعبه مربوط به ذوق و عشق شاگرد شد.»

این داستان بخش بزرگی از ماجرا را آشکار می‌کند. اینکه پیش از تقسیم رشته‌های تحصیلی فضای جامعه بیشتر تحت تأثیر پیشرفت‌های تکنولوژیک غرب بود تا توسعه علوم انسانی و فرهنگ برای این رفتار دو شاهد تاریخی آن که نخست ناصرالدین شاه قاجار در سفر فرنگ مجذوب جوجه گردان شد

«در سال ۱۳۰۱ بود که شورای عالی معارف به موجب قانونی که در حوت ۱۳۰۰ به تصویب رسیده بود، تأسیس گردید... به وزیر معارف پیشنهاد کردم که دوره‌ی تحصیلات متوسطه به دو دوره‌ی سه ساله و دوره‌ی دوم به دو شعبه ادبی و علمی تقسیم گردد... در زمان وزارت معارفی حاج محتشم السلطنه، کمیسیونی در تحت ریاست او از معلمین زنده تهران و بعضی رؤسای وزارت معارف تشکیل گردید و دلایل مرابری فواید و مزایای پیشنهاد شنید و با آن موافقت نمود و گزارش آن به شورای عالی معارف داده شد و به تصویب رسید و مقرر گردید که از آغاز سال تحصیلی ۱۳۰۲ به موقع اجرا گذاشته شود. در تهران تنها مدرسه کاملی که وجود داشت دارالفنون بود و تقسیم تحصیلات آن به دو دوره بدین ترتیب صورت گرفت که شاگردان سال چهارم را دفتر مدرسه به دو قسمت کرد:

گوشی موبایل با قدمت ۸۰۰ سال؟!



محسن سعادت

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی
دانشگاه تربیت مدرس

اتریش پیدا شده با منشاء این خط که در بین النهرین است فاصله بسیاری دارد و امکان انتقال آن وجود ندارد اگر قبول کنیم که این گوشی ۸۰۰ سال قدمت دارد! در ضمن اینکه هیچگونه منبع خبری در اتریش آن را تأیید و یا توضیحی درباره آن منتشر نکرده است که اینکه در کدام محوطه کشف شده است؟ توسط کدام باستان‌شناس کشف شده است؟ و خیلی سوالات بی‌جواب دیگر... این تصویری که از قدیمی‌ترین موبایل ۸۰۰ ساله منتشر شده بیشتر ساخته‌ی دست بشر امروزی برای بالابردن تمدن و فرهنگ قدیم آن ملت است و هیچ دلایلی علمی و منطقی برای قبول آنها وجود ندارد و در دنیا از این نوع کارها به فراوانی انجام شده مانند اسکلت گول پیکر قوم عاد در عربستان کشف شد! به نظر می‌رسد با یک شوخی خبری روبه رو هستیم!

شده است. هنوز هم در مورد ماهیت این شی اطلاعات دقیقی وجود ندارد آیا کشف این گوشی ۸۰۰ ساله سفر در زمان را اثبات می‌کند؟ یا وجود تمدنی پیشرفته را نشان می‌دهد؟ و خیلی سوالات دیگر... بعضی از علاقه‌مندان به کشف شواهدی از موجودات فضایی این شی باستانی را مدرکی دال بر ملاقات بیگانگان فضایی با انسان‌های دوران باستان دانسته‌اند که تکنولوژی‌های پیشرفته‌ی خود را برای موجودات ابتدایی به ارمغان آورده‌اند. برخی آن را به انسان‌های فضایی نسبت دادند و اینکه نقوش روی این موبایل به نقوش غارهای باستانی در اروپا شبیه است. جالب‌تر اینکه این موبایل بسیار شبیه به موبایل معروف به نوکیا می‌باشد و بسیاری آن را با این گوشی مقایسه می‌کنند. اما برای توضیح این خبر باید عنوان کرد که خط میخی و یا سومری بر روی این گوشی که در

چند وقت پیش خبری بر صفحه تمام خبرگزاری‌ها آمده بود با این مضمون که کشف گوشی موبایل ۸۰۰ ساله! آیا گوشی موبایل ۸۰۰ ساله مربوط به انسان‌های فضایی است؟ و... در نتیجه در پی صحت و سقم قضیه برآمدیم. در معرفی توضیحات این گوشی آمده که باستان‌شناسان در حفاری‌های خود یک شی ۸۰۰ ساله یافته‌اند که دقیقاً شبیه گوشی‌های مدرن امروزی است. این شی عجیب در طول حفاری‌هایی، در اتریش کشف شده است و در حقیقت یک نمونه‌ی گلی از گوشی‌های موبایل امروزی است که با استفاده از خط میخی سومریان بر روی کلیدهای آن چیزهایی نوشته





سودابه شجاعی

کارشناسی علوم اجتماعی

داستان‌های نقل شده از گذشته، بیانگر اهتمام علمای اسلام به علم اخلاق و مقدم شمردن آن بر دیگر علوم است. داستان برخورد ابن‌سینا با ابن‌مسکویه یکی از آنهاست: «روزی شاگردان ابن‌مسکویه در کنار او نشستند و دیدند که ابن‌سینا با گردویی در دست وارد جمع آنها شد و آن را به سمت ابن‌مسکویه پرتاب کرد و گفت: مساحت این گردو را مشخص کن که با چند جو برابر است. ابن‌مسکویه فوراً بخش‌هایی از کتاب اخلاق را به سوی او پرتاب کرد و گفت: تو نخست اخلاق را با این کتاب اصلاح کن تا ما مساحت آن گردو را مشخص کنیم که تو به اصلاح اخلاق بیش از محاسبه‌ی مساحت این گردو نیازمندی.»

انسان برای ادامه‌ی حیات خود و تامین نیازمندی‌های ضروری خود به ارتباط با محیط نیازمند است ولی محیط هم مواهب خود را رایگان در اختیار انسان قرار نمی‌دهد و در مقابل بر شخصیت، رفتار و

کسی که در جامعه‌ی زندگی

می‌کند که افرادش در مقابل

ارزش‌های اخلاقی اسلام احساس مسئولیت و در برابر زیر پا گذاشتن آنها واکنش نشان می‌دهند، به تدریج با ارزش‌ها و ضد ارزش‌های اخلاقی آشنا می‌شوند. زیرا مشاهده می‌کنند که جامعه در برابر تخلف از برخی ارزش‌ها، واکنش شدید و در برخی دیگر، واکنش ضعیف نشان می‌دهد. بدین ترتیب، فرد به تدریج با ارزش‌های اخلاقی اسلام آشنا و آنها را درونی می‌کند. در نتیجه، نظام ارزشی مطلوب در فرد، شکل می‌گیرد و تقویت می‌شود.

از محبت خارها گل می‌شود



توفیق دهد، آنها را تکرار کند و بیشتر انجام دهد ولی اگر خدای ناکرده، مرتکب رفتارهای ناشایست شده، استغفار کند و از خدا بخواهد به او توفیق دهد تا در روزهای آینده آنها را تکرار نکند.

در سیره‌ی ائمه‌ی اطهار ذکر شده اولین اقدام در برخورد با رفتارهای ناشایست اخلاقی، به ویژه اگر آن رفتار برای نخستین بار از فرد سرزده باشد، چشم‌پوشی و نادیده‌گرفتن آن است.

برخی در برابر اغماض و چشم‌پوشی واکنش نشان می‌دهند و برخی در برابر تذکر و برخی نیز در برابر ارائه مشوق‌های قوی. (گاه برای اصلاح فرد متخلف از او می‌خواستند قول دهد تا از آن کار دست بردارد و در مقابل آنان نیز به او وعده‌ای می‌دادند)

انسان موجودی اجتماعی است و معمولاً بیرون از جامعه و بدون آن نمی‌تواند به زندگی خود ادامه دهد، برای اصلاح برخی رفتارهای ناشایست فرد متخلف می‌توان از فشار اجتماعی سود برد. ماجرای امام صادق (علیه السلام) با دوست خود که در بازار کفش فروشان به غلام خود نسبت زنازاده بودن داد و امام با او قطع رابطه کرد، نمونه‌ای از این روش است.

تدریج با ارزش‌ها و ضد ارزش‌های اخلاقی آشنا می‌شوند. زیرا مشاهده می‌کنند که جامعه در برابر تخلف از برخی ارزش‌ها، واکنش شدید و در برخی دیگر، واکنش ضعیف نشان می‌دهد. بدین ترتیب، فرد به تدریج با ارزش‌های اخلاقی اسلام آشنا و آنها را درونی می‌کند. در نتیجه، نظام ارزشی مطلوب در فرد، شکل می‌گیرد و تقویت می‌شود.

انسان‌ها در هر درجه‌ای از رشد اخلاقی باشند در معرض خطا و اشتباه هستند و به همین جهت اگر کسی مراقب اعمال و رفتار خود نباشد، به تدریج از مسیر درست منحرف شده، فضیلت‌های اخلاقی در او تضعیف می‌شود و رذیلت‌های اخلاقی در او پدید می‌آید و رشد می‌کند و در نهایت به جایی می‌رسد که همگان از هدایت و نجات او نومید می‌شوند.

انسان باید در طول روز مراقب باشد، رفتار ناشایست اخلاقی انجام ندهد و محاسبه‌ی نفس یعنی در آخر روز اعمال و رفتار خود را بررسی کند، اگر رفتارهای اخلاقی نیکو انجام داده، خداوند را بر آنها شکر گوید و از خداوند بخواهد به او توفیق دهد، آنها را تکرار کند و بیشتر انجام دهد ولی اگر خدای ناکرده، مرتکب رفتارهای ناشایست شده، استغفار کند و از خدا بخواهد به او توفیق دهد تا در روزهای آینده آنها را تکرار نکند.

علاقمند می‌شوند و پذیرش و پیروی را به دنبال دارد.

می‌توان گفت: احسان و محبت به دیگران یکی از روش‌هایی است که زمینه را برای تربیت اخلاقی و تاثیرگذاری آماده می‌کند.

ائمه‌ی اطهار در کنار دعوت مردم به فضائل و بازداشتن آنها از رذایل، آثار و پیامدهای آن را نیز بیان کرده‌اند. امام علی (علیه السلام) درباره‌ی عفت می‌فرماید: با عفت ورزیدن اعمال انسان (از آلودگی‌ها) پاک می‌شود»

زندگی انسانی پر از مشکلات و مسائل است و موفقیت هر کسی در غلبه یافتن بر این مشکلات است. تحقیقات تربیتی نیز ثابت کرده‌اند داستان‌هایی با محتوای اخلاقی نقش مهمی در تربیت اخلاقی دارد. بنا به گفته‌ی هالستید و تیلور «بسیاری معتقدند مطالعه‌ی داستان هم موجب ارتقای درک اخلاقی می‌شود و هم موجب ارتقای احساسات اخلاقی».

کسی که در جامعه‌ی زندگی می‌کند که افرادش در مقابل ارزش‌های اخلاقی اسلام احساس مسئولیت و در برابر زیر پا گذاشتن آنها واکنش نشان می‌دهند، به

گفتار او تاثیر می‌گذارد. اگر محیط صالح باشد، معمولاً رفتار آدمی نیز صالح خواهد بود و بالعکس. بنابراین، محیط فاسد به تدریج انسان را فاسد و به سوی رفتارهای ناشایست سوق می‌دهد.

تاثیر دوست و همنشین بر خلق و خوی انسان امری انکارناپذیر است و به همین سبب در متون اسلامی از همنشینی با بدان نهی و به همنشینی با نیکان توصیه شده است. در این رابطه امام صادق (علیه السلام) فرموده است: «با بدعت‌گزاران نشست و برخاست نکنید که در نظر مردم یکی از آنها بشمار می‌آید.» ارزش‌های اخلاقی اسلام را در جامعه حاکم کنیم؛ اما این حاکمیت از طریق اعمال فشار و زور نیست، بلکه افراد باید از صمیم قلب برای آنها ارزش قائل شوند و آنها را بپذیرند و به آنها پایبند باشند. به گفته‌ی امام علی (علیه السلام): «الإِئْتِسَانُ» احسان است. «علاقه و دوستی نیز، زمینه را برای تاثیرپذیری از احسان کننده آماده می‌کند. زیرا قلب انسان به هر چه علاقمند باشد سایر اعضا و جوارح او نیز به آن

چهار قدم تا قلب سلیم



إِلٰهِي وَرَبِّي مَنْ لِي غَيْرِكَ

أَسْأَلُهُ كَيْفَ تُضْرِي وَالنَّظَرَ فِي أَمْرِي

را در زمین تجربه می‌کنند. وقتی روح را آماده حضور ولی خدا می‌کنیم یعنی عقل و قلب را سالم پرورش می‌دهیم. منتظر واقعی که به وظیفه‌اش پی برده با امید فقط به سوی هدف پیش می‌رود پس بیکار نیست تا امامش ظهور کند و ناسامانی‌ها را درست کند بلکه او با علمش، تلاشش. جهاد و شهادتش زمینه را برای ظهور فراهم می‌کند و این خود عامل وحدت در تمام عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی است. منتظر به فطرت خداجو و طلب حقیقتش پاسخ می‌دهد و به توصیه‌ی امام خمینی (رحمه الله علیه) همه‌ی عالم را مدرسه خود برای تعلیم و تهذیب می‌داند.

رجاء و امید: کلام زیبا و حکیمانه امیرمومنان (علیه السلام) اهمیت این عامل را در سلامت و آرامش قلب ما به وضوح بیان می‌دارند: تمام امید و توجه خود را به خداوند متوجه کنید و به احدی امیدوار نباشید زیرا هیچ کس امیدی به غیر خدا نداشت مگر اینکه به آرزویش نرسید و مایوس و ناامید گردید.

برنامه‌های زندگی فقط برای یک هدف که همان، تکلیف و وظیفه‌ی اصلی ماست. با اندکی تأمل در شرایط امروز، هدف و اولویت‌ها مشخص می‌شوند و به تبع آن برنامه‌ای که در جهت آن در زندگی چیده می‌شوند همان عوامل سلامت عقل و قلب را در بردارند. به بیان بهتر انتظار سازنده است که، قلب سلیم می‌سازد. منتظران، زندگی خوب

به سلامت آن کار می‌انجامد و از آنجا که بر طبق فرمایش حضرت علی (علیه السلام) با به کارگیری آن شیرینی و طعم گوارای ایمان چشیده می‌شود قطعاً متضمن بهداشت قلب از ناگواری‌ها و ندامت‌های عجزلانه رفتار کردن است زیرا حلم به عنوان دوست مهربان و مشاور و کمک کار مومن معرفی شده است. آمادگی برای ظهور: همسو کردن تمام

است. از همین روست که گنجینه هدایت بشری یعنی قرآن به لزوم ذکر سفارش می‌کند: «فَأَنَّ الذِّكْرَی تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِیْنَ». حضرت علی (علیه السلام) نیز در این باره فرمودند: به ذکر خدا مشغول شوید که یاد خدا بهترین ذکرهاست. صبر و بردباری: صبر را باید همان عامل اساسی سعادت زندگی دنیوی و اخروی به شمار آورد. نتیجه صبر در هر کاری



محبوبه پارسا

کارشناسی ارشد فلسفه

در نوشتار پیشین عواملی چند از سلامت و بهداشت عقل و قلب و از جمله مهم‌ترین آنها یعنی انس با قرآن و تقوا با نظر به دیدگاه اسلام ذکر گردید. در ادامه برآنیم تا برخی عوامل موثر دیگر را مورد توجه قرار دهیم:

ذکر خدا: ذکر به معنای آن یادآوری است که به دنبال آن تداوم و تاثیر و اثر در عمل باشد. یعنی یاد خدا در قلب و روح و نه فقط در لفظ و لقلقه زبان، در حالیکه ذهن و قلب از آن غافل باشد. به عبارت بهتر ذکر به معنای به یاد خود آوردن مداوم و همیشگی که با تمرین و ممارست تقویت می‌یابد. بدین ترتیب که در آغاز هر عمل، نیت رضایت و قرب به حق مد نظر قرار می‌گیرد، عقل به آن فرمان می‌دهد و قلب با رضایت حق آرام می‌گیرد. از این جهت شاید بتوان گفت واعظ درونی وجودمان نیز نوعی ذکر



**دیپلماسی علمی
به اقتدار ملی
کمک خواهد کرد**



دکتر عباس عراقچی معاون وزیر امور خارجه در نشست مدیران گروه‌های آموزشی دانشگاه تربیت مدرس بر اهمیت نقش دیپلماسی علمی در افزایش اقتدار ملی تاکید و اظهار داشت: جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر در دوران خاصی از قدرت خود به سر می‌برد و بازیگری ما در منطقه و فرامنطقه برنده‌ی اصلی تحولات کنونی بوده است.

دکتر عراقچی در ادامه افزود: یکسری از عوامل قدرت غیراقتصادی هستند مانند جمعیت، جغرافیا و ژئوپلیتیک که اینها منابع قدرت خدادادی هستند. اما برخی از عوامل قدرت اقتصادی هستند که افراد یک ملت برای خود ایجاد می‌کنند مانند توانایی نظامی، اقتصادی، قدرت رسانه‌ای و همچنین توانایی علمی و قدرت دانش و فناوری که بسیار حائز اهمیت است.

وی در ادامه اظهار داشت: دیپلماسی علمی در راستای بقیه توانایی‌های کشور باید به اقتدار ملی کمک کند و منافع کلان کشور و بنیه‌ی کشور را در همه ابعاد افزایش دهد. هدف از بین‌المللی شدن در عرصه‌ی علمی و دیپلماسی علمی در یک ذهن استراتژیک این است که کمک کند اقتدار ملی و توانایی‌های کشور افزایش یابد.

دکتر عراقچی در پایان تاکید کرد: مادر همکاری‌های بین‌المللی باید به داشته‌های درونی خود متکی باشیم و مزیت نسبی خود را در تعاملات علمی نباید دست کم بگیریم و امروز کشور در بخش‌های مختلف علمی از جمله نانو، موفقیتهای بسیاری را کسب کرده که از مزیت‌های کشور به شمار می‌رود.

احزاب و انتخابات



یادداشت

حبیب رضازاده

دانشجوی دکترای علوم سیاسی
دانشگاه تربیت مدرس

ایام انتخابات همواره موجب ایجاد برخی سوالات از جمله اینکه آیا به کاندیدایی که عضو حزب است رای بدهیم یا کاندیدایی که به عدم عضویت در حزب افتخار می‌کند؟ در واقع پیش از پاسخ دادن به سوال فوق باید یک واقعیت را که بسیاری آن را کتمان می‌کنند بیان کنیم، آن هم این است که امروزه در عرصه‌ی سیاست به سختی می‌توان یافت فردی را که واقعاً مستقل باشد. در واقع عدم عضویت در احزاب، معنای استقلال نمی‌دهد؛ همگان می‌دانند که در کشور چندین حزب و گروه سیاسی و البته هم‌زمان چندین جریان سیاسی که در قالب حزب فعالیت ندارند و سخت است فردی را یافت که داعیه‌ی کاندیداتوری برای نمایندگی مجلس را داشته باشد؛ اما نسبت به هیچ یک از این احزاب و جریان‌های موجود گرایش نداشته باشد. با این مقدمه اکنون شایسته است که به موضوع اصلی که همانا احزاب و انتخابات است بپردازیم؛ اما پیش از آن باید مختصری با حزب و کارویژه‌های آن آشنا گردیم اما پیشتر باید یک نکته‌ی بدیهی را پیش از آغاز موضوع اصلی، متذکر شد و آن اینکه «عصر ما، عصر دموکراسی‌های نمایندگی است» و عصر دولت‌شهر آتنی که شهروندان در میدان اصلی شهر جمع شده و مستقیماً برای امور خود تصمیم می‌گرفتند سپری شده است.

بسیاری، احزاب را مولود انتخابات می‌دانند و در همین رابطه است که مورس دوروزه که از پیشگامان مطالعات حزبی است، با نگاه به عنصر فنی در پیدایش احزاب بیان می‌دارد؛ همراه با توسعه‌ی حق رای، گروه‌های پارلمانی درصدد برآمدند کمیته‌های انتخاباتی را فعال نگه دارند تا در دوره بعدی انتخابات، از اقبال بیشتری برای راهیابی به پارلمان برخوردار گردند. حلقه‌ی پیوند گروه‌های پارلمانی و کمیته‌های انتخاباتی، دفتری بود که به منظور هماهنگ کردن فعالیت کمیته‌های انتخاباتی به وجود آمد و به تدریج هسته‌ی اولیه‌ی حزب را تشکیل داد.

اما حزب چیست؟ در یک تعریف جامع می‌توان بیان داشت که حزب بسیاری احزاب سیاسی را فارغ از هر گرایش و ایدئولوژی دارای چندین کارویژه می‌دانند و از همین رو است که بسیاری اذعان دارند، افراد حزبی که کاندیدای کسب سمت‌های سیاسی و انتخابی می‌گردند، بیشتر موفق و البته قابل اعتماد هستند.

عبارت است از: گردهمایی پایدار گروهی از مردم که دارای عقاید مشترک و تشکیلات منظم هستند و با پشتیبانی مردم، برای به دست آوردن قدرت سیاسی از راه‌های قانونی مبارزه می‌کنند. با توجه به تعریف فوق از حزب است که بسیاری احزاب سیاسی را فارغ از هر گرایش و ایدئولوژی دارای چندین کارویژه می‌دانند و از همین رو است که بسیاری اذعان دارند، افراد حزبی که کاندیدای کسب سمت‌های سیاسی و انتخابی می‌گردند، بیشتر موفق و البته قابل اعتماد هستند؛ چون اینان ضمن اینکه در سیاست‌گذاری‌های حزب دخالت دارند، خود نیز از مشاوره‌ها و حمایت‌های حزب متبوع خود بهره‌مند شده و لذا کم‌تر دچار احساسات و تصمیم‌گیری‌های عجولانه می‌گردند، چرا که پیشتر، تصمیمات در جمعی باتجربه و آگاه اخذ گردیده است و از همین رو می‌توان با توجه به پیشینه و برنامه‌های احزاب، در مورد کاندیداهای منتسب به آنها ارزیابی داشت. اما کارویژه‌های حزب؛ بسیاری اذعان دارند که مهم‌ترین کارویژه‌های احزاب همانا متحد کردن، تسهیل کردن و با ثبات نمودن زندگی سیاسی است؛ اما در کنار این کارویژه‌های عام، احزاب کارویژه‌های دیگری نیز دارند که به شرح ذیل می‌باشند:

رقابت انتخاباتی با هدف پیروزی:

همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد؛ احزاب برای رقابت انتخاباتی وجود دارند؛ نخستین وظیفه‌ی آنها این است که نامزدهای مناسبی را که ارزش پشتیبانی حزبی را دارند و حزب را در برنامه‌ها و سیاست‌هایش به موفقیت بیشتر رهنمون می‌سازند؛ تربیت و برای کارزار انتخاباتی آماده کنند.

تدوین سیاست‌های عمومی:

حزب بر پایه‌ی رشته‌ای از برنامه‌ها و اعلامیه‌ها در رقابت انتخاباتی شرکت می‌کند؛ تارای دهندگان درباره‌ی مسائل اصلی و نیز سیاست‌ها و برنامه‌های حزب اطلاع کافی به دست آورند.

برخورد و انتقاد از دولت:

همواره احزاب خارج از قدرت با ارزیابی سیاست‌ها و برنامه‌های حزب حاکم، موجبات آگاهی مردم از میزان تحقق

برنامه‌های حزب حاکم و البته هم‌زمان مانع از انحراف حزب حاکم می‌گردند. در واقع احزاب رقیب حزب حاکم، همواره برنامه‌ی جانشین خود را تبلیغ می‌کنند تا در صورت روی گردانی مردم از حزب حاکم، آنها را به سوی خود جذب کنند.

آموزش سیاسی مردم:

مبارزات انتخاباتی طی دوره‌ی انتخابات، مبارزات آموزشی هم است، در واقع احزاب با جذب و آموزش افراد علاقه‌مند به فعالیت سیاسی، موجبات ارتقای سطح سیاسی کنش‌ها و برنامه‌های کاندیدها و همچنین شهروندان را مهیا می‌کنند.

واسطه میان مردم و حکومت:

حزب پیونددهنده‌ی فرد و حکومت است. در واقع احزاب توده‌های بدون شکل افراد انسانی را متشکل کرده و از این طریق موجبات برقراری ارتباطی آگاهانه و البته مطالبه محور بین افراد و حکومت می‌گردند.

کار قوه‌مقننه را تسهیل می‌کند:

قوه‌مقننه در واقع زمانی در مقابل دولت (قوه مجریه) به خوبی به ایفای وظایف خود خواهد پرداخت که، نمایندگان آن افراد حزبی باشند، بدون وجود این مهم، قوه‌مقننه ترکیبی از توده‌ی نماینده‌های سازمان‌نیافته و بدون برنامه‌ی منسجم و البته ناکارآمدی است، که همین امر خود موجب ضعف قوه‌مقننه در مقابل قوه مجریه و البته عدم پاسخگویی آن در مقابل مردم می‌گردد.

افراد هم‌فکر را گرد هم جمع می‌آورد:

در واقع حزب موجب می‌گردد که افرادی که هم‌فکر هستند گرد هم جمع شده و با مشورت یکدیگر تصمیمات مناسب‌تری اتخاذ کنند، تصمیماتی که به واسطه بدل شدن به برنامه‌های حزب از قابلیت اجرایی بیشتری نیز برخوردارند؛ چون حمایت حزب را همراه دارند.

با توجه به موارد فوق‌الذکر، کاندیدایی که خود عضو حزب است، ابتدا به ساکن از تجربه و مهارت سیاسی بالاتری نسبت به کاندیداهای غیرحزبی برخوردار است؛ ضمناً این افراد دیگر نمی‌توانند به راحتی هر شعار و وعده‌ای را جهت کسب آرای

مردم دهند؛ چرا که پیشینه‌ی حزب متبوع این افراد و البته مرام و برنامه‌های آن، خود گویای توانمندی کاندیدای حزب در تحقق برنامه‌ها و یا حتی باور به شعارهای مطروحه دارد. از باب مثال، کاندیدای حزبی که مرام سیاسی آن گرایش‌ات افراطی است، نمی‌تواند شعارهای اعتدالی سردهد و یا کاندیدای حزبی که اولویتش رفع مشکلات طبقه خاصی (همچون احزاب کارگری) است، دیگر نمی‌تواند شعار توجه به منافع همه طبقات و گروه‌ها را سردهد. لذا کاندیداهای حزبی نمی‌توانند خارج از باورهای حزب متبوع خود شعار دهند و هر زمان نیز این اتفاق رخ دهد، به راحتی با مراجعه به مرام و پیشینه حزبی آنان می‌توان نسبت به صحت و سقم آنها ارزیابی داشت. اما نکته‌ی مهم اینکه کاندیدای حزبی پس از پیروزی، لازم نیست زمان زیادی را صرف تدوین برنامه و راهکارهای اجرایی آن نماید؛ چراکه این موارد پیشتر در حزب محقق شده و حتی کاندیدای حزبی پس از پیروزی از حمایت دیگر هم‌حزبی‌های خود جهت تحقق برنامه‌های اعلامی خود برخوردار است.

با توجه به این موارد می‌توان بیان داشت که شایسته است در انتخابات به کاندیداهای حزبی رای داد، چرا که اینان در ابتدا به ساکن نیز، از بسیاری کاندیداهای دیگر آگاه‌تر و نزدیک‌تر به تحقق برنامه‌های اعلامی خویش هستند، چون کاندیدای حزبی تنها نیست و امروزه نیز به تنهایی نمی‌توان کار چندانی برای توسعه و پیشرفت کشور انجام داد.

کاندیدایی که خود عضو حزب است نمی‌تواند به راحتی هر شعار و وعده‌ای را جهت کسب آرای مردم دهد؛ چرا که پیشینه‌ی حزب متبوع این افراد و البته مرام و برنامه‌های آن، خود گویای توانمندی کاندیدای حزب در تحقق برنامه‌ها و یا حتی باور به شعارهای مطروحه دارد.



پاشنه آشیل در سیاست داخلی عربستان

هادی طلوعی

دانشجوی دکترای علوم سیاسی
دانشگاه تربیت مدرس



در کشوری که وهابیان اکثریت جمعیت را تشکیل می‌دهند، سخت‌گیری بسیاری در شعائر مذهبی می‌نمایند و بسیاری از مناسک تشیع را بدعت می‌خوانند، طبعاً اقلیت شیعی ساکن در مرکز، استان‌های شرقی و نقاط مرزی با یمن را هم به شدت سرکوب خواهند کرد. در مقابل شیعیان نیز همواره جنبش‌های سیاسی و آزادی‌خواهانه‌ای را در عربستان برای احقاق حقوقشان به راه خواهند انداخت. در تشریح این جنبش‌ها ابتدا باید اشاره کرد که عربستان از جهت مذهبی دارای اهمیت بی‌مانندی در دنیای اسلام است. شهر مکه به علت وجود خانه‌ی کعبه، منا و عرفات، غار حرا و دیگر بناهای مقدس و مدینه به علت قرارگرفتن آرامگاه پیغمبر؛ مسجدالنبی و قبرستان بقیع دارای ارزش عظیم مذهبی است. اما از آنجاکه خانواده سعودی حاکم بر

شیعیان مطالباتشان را از طریق مجامع حقوق بشری و افشای جنایات آل سعود برای تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی جهانیان دنبال نمودند. پس از سال ۲۰۱۰ که انقلاب‌های عربی به وجود آمدند، جریان جدید اسلام‌گرایی و آزادی‌خواهی شیعه و حتی سنی شکل گرفت که خواستار تغییرات و حاکمیت دموکراسی در چارچوب موازین اسلامی و تجدیدنظر در دکترین رسمی وهابیت بودند. این جریان در میان اقلیت شیعه ندای دموکراسی و حفظ اصالت مذهبی آن را سر می‌دادند. شیخ نمر هم رهبر این جریان و فعال حقوق بشری بود که در همین اعتراضات دستگیر شد و پس از چند سال حبس، به شهادت رسید. نکته‌ای که لازم به ذکر است، اینکه هر چند حکومت آل سعود سلطنتی است و اجازه هیچ‌گونه اصلاحاتی را در ساختار سیاسی و حقوقی این کشور نمی‌دهد، اما آسیب‌پذیری عربستان در شرق این کشور و در میادین نفتی غیرقابل انکار است. حتی در گذشته حکومت‌های شیعی در این مناطق فرمان می‌راندند؛ بنابراین اعاده‌ی حقوق سیاسی، اجتماعی و مذهبی شیعیان چندان دور از تصور نخواهد بود و به‌نوعی پاشنه‌ی آشیل عربستان را در سیاست داخلی این کشور رقم می‌زند.

هر چند حکومت آل سعود

سلطنتی است و اجازه

هیچ‌گونه اصلاحاتی را در ساختار

سیاسی و حقوقی این کشور

نمی‌دهد، اما آسیب‌پذیری عربستان

در شرق این کشور و در میادین

نفتی غیرقابل انکار است. حتی در

گذشته حکومت‌های شیعی در این

مناطق فرمان می‌راندند؛ بنابراین

اعاده‌ی حقوق سیاسی، اجتماعی

و مذهبی شیعیان چندان

دور از تصور نخواهد بود

صفا تا مدت‌ها شیعیان را رهبری نمود. جریان دیگر که از رهبرانی همچون برادران شیخ حسین و شیخ حسن الراضی، سید هاشم الشیخ، شیخ حسین عایش و حسن النمر تشکیل می‌شد، در این باره قابل ذکر است. این افراد در قم تحصیل کرده و محیط سیاسی حوزه‌های آن را درک نموده بودند، بنابراین پس از مدتی تشکلهایی را در حجاز ایجاد کرده و به دنبال ترویج الگوی انقلابی ایران برآمدند. در عرصه‌ی خارجی با وقوع حج خونین و اختلال در روابط سیاسی ایران و عربستان، وضعیت سیاسی شیعیان این کشور نیز رو به وخامت گذاشت و حکومت سعودی فشارهای مضاعفی بر اینان وارد ساخت. این روابط پرتنش در دوران سازندگی تا حدی التیام گرفت و با برقراری مجدد روابط بین دو کشور و مذاکره مستقیم پادشاه سعودی و ریاست جمهوری ایران، وضعیت شیعیان عربستان تا حدودی بهبود یافت. در دوره‌ی معاصر با اصلاحات نیز

خویش محروم‌اند. پس از وقوع انقلاب اسلامی، شیعیان عربستان در حوزه‌های ذیل از آن متأثر شدند ۱- هویت‌یابی و خودآگاهی، ۲- شکل‌گیری و تقویت سازمان‌های شیعی، ۳- تمایلات عاطفی - سیاسی نسبت به انقلاب اسلامی، نقش‌آفرینی آنان در سیاست کشور نیز بدین گونه بود که به محض پیروزی انقلاب ایران، شورش‌های در میان شیعیان ایالات شرقی و در میادین نفتی آغاز شد و مردم با پخش اعلامیه‌هایی در مساجد به خانواده‌ی سلطنتی حمله کردند و آشکارا به مخالفت با آن پرداختند. آنان مراسم روز عاشورا را که در عربستان ممنوع است، برگزار کردند و تظاهراتی در شهرهای نفتی این کشور سازمان دادند. این مناطق از آن روی اهمیت داشتند که ظهران مرکز نفتی بسیار مهم عربستان در آنجا قرار داشت. پس از این وقایع سازمان انقلاب اسلامی شیعیان شبه‌جزیره عربستان تشکیل شد و جنبش الرسالیه که منبعث از انقلاب اسلامی بود، به رهبری شیخ

عربستان پیرو آیین وهابیت است، این موضوع تنش سهمگینی را میان این کشور و پیروان آیین تشیع در سراسر جهان ایجاد می‌کند. پس از انقلاب اسلامی و سرنگونی شاه ایران، راهبرد دو ستونی نیکسون رئیس‌جمهور آمریکا در منطقه‌ی خاورمیانه از هم فروپاشید و این امر ضربه‌ی سختی بر پیکر عربستان وارد آورد. همچنین تحت تأثیر انقلاب اسلامی به سرعت ناآرامی‌هایی از سوی شیعیان ساکن شرق عربستان رخ داد و حمله‌ی رهبران انقلابی ایران بر فساد و پیوند با غرب به ریشه‌ی ثبات این کشور ضرباتی زد. اما چرا این ناآرامی‌ها بروز کرد؟ از نظر تاریخی شیعه در کشور عربستان در حاشیه نظام سیاسی قرار دارد. شیعیان این کشور پس از عراق، بزرگ‌ترین جامعه‌ی شیعی عرب را در خاورمیانه تشکیل می‌دهند؛ اما نه تنها از تبعیض‌های قانونی رنج می‌برند، بلکه از اظهار علنی آیین مذهبی

از نظر تاریخی شیعه در کشور عربستان در حاشیه نظام سیاسی قرار دارد. شیعیان این کشور پس از عراق، بزرگ‌ترین جامعه‌ی شیعی عرب را در خاورمیانه تشکیل می‌دهند؛ اما نه تنها از تبعیض‌های قانونی رنج می‌برند، بلکه از اظهار علنی آیین مذهبی خویش محروم‌اند.

به بهانه خاموش کردن یک ندای حق طلب دیگر...



فضه سادات حسینی

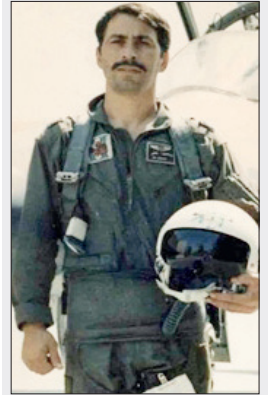
دانشجوی دکترای حقوق
دانشگاه تربیت مدرس

۲ هفته است که از زندان‌های مخوف عربستان، فریادهای آزادی‌خواهانه او دیگر به گوش نمی‌رسد! ۱۴ روز است که شیوخ عرب راحت‌تر سر بر بالین می‌گذارند! اما شیخ زکزاکی‌ها و شیخ سلمان‌ها و حق طلبان دیگر اوضاعشان سخت‌تر می‌شود! آری! رسم دشمن همین است... از راه‌های دیگر که ناامید می‌شود... می‌کشد... به راحتی... بدون سروصدا این موقع که می‌شود حقوق بشر و حقوق انسان‌ها هییییییی معنایی ندارد!! چرا؟! چون او یک مسلمان است... یک شیعه... یک انقلابی... یک روحانی مبارز که نمی‌تواند بی‌عدالتی و وحشیگری و جور حکام کشورش را ببیند و سکوت کند!

آری... آیه الله شیخ نمر باقر النمر، روحانی برجسته عربستانی در سکوت و مظلومیت بالاخره اعدام شد! به دست آل و حوش! ماهم عادت کرده‌ایم به این تبعیض‌ها... و این زست‌های تهوع‌آور حقوق بشری! کشتار و وحشیگری رسم دشمن است... اما شیعه هیچ‌گاه سکوت نمی‌کند... حق طلب است و مطالبه‌گر... افشاگری می‌کند... بیدار است و بیدارکننده... حتی اگر در این راه جان‌اش را عزیزانش را و تمام ثروت و دارایی‌اش را از دست بدهد... پیشوای او حسین است که از همه دار و ندارش گذشت! گفتند وقتی در زندان خبر تایید حکم اعدام آیه‌الله نمر را دادند، گفت خداوند بندگان‌ش را به خیر بشارت می‌دهد! مسلک و مرام تمامی حق‌طلبان حسینی است. بنیانگذار انقلاب اسلامی ما نیز راه حسین را در پیش گرفت و حالا این انقلاب و رهبر عزیز و مقتدرش



الگوی منحصر بفردی برای تمامی آزادگان جهان است و همین است که خواب و آرامش را از مستکبران و زورمندان عالم ربوده. در بند کشیدن و اعدام شیخ نمر باقر النمر که جز از حقیقت و اسلام راستین نمی‌گفت، به مذاق خادم الحرمین خوش نمی‌آمد! شیخ علی سلمان در بحرین، شیخ زکزاکی در نیجریه و هزاران آزادی‌خواه دیگر در سراسر دنیا به بند کشیده می‌شوند تا ندای اسلام‌خواهی خاموش شود، غافل از اینکه هر روز در دنیا شتاب می‌گیرد و لرزه براندام ضعف صاحبان خانه‌های عنکبوت می‌اندازد که سست‌ترین خانه‌ها را بنا نهاده‌اند! خوشا به حال ایشان... شهادت گوارای وجودتان... هنیئا لک... ای کاش ما هم قدر دان سرمایه‌ی انقلاب و رهبری باشیم که همه به تاسی از آن است...



کتاب «غرش رعد» که روایت‌هایی از خلبانان در طول دفاع مقدس ۸ ساله بوده است و محمد معما آن را تدوین کرده از سوی نشر عماد فردا منتشر و در نمایشگاه کتاب به مخاطبان عرضه خواهد شد.

کتاب حاضر که با محوریت زندگی امیر خلبان عبدالحمید نجفی به رشته تحریر در آمده از جمله کتاب‌هایی است که اتفاقات کمتر دیده شده و یا کمتر روایت شده از زندگی خلبانان دوره ۸ سال دفاع مقدس را به تصویر می‌کشد.

دوره دیده‌های ایالات متحده آمریکاست یکی از خلبانان بنام هواپیمای F5 است، که بعد از شهید اردستانی رکورددار پروازهای برون مرزی (پرواز ۱۳۲) طی دوران دفاع مقدس است، ایشان که از خلبانان ثابت فرارگاه رعد در دوران دفاع مقدس بود، موفق به دریافت مدال فتح در سال ۶۹ از دست مقام معظم رهبری شد.

در بخشی از این کتاب آمده است: «چهارشنبه یازدهم بهمن‌ماه ۱۳۵۷ مرا احضار کردند تا به همراه سروان شریفی‌راد یک پرواز رهگیری هوایی انجام بدهم. بعد از حدود یک ساعت به زمین نشستیم. صبح زود روز بعد ما را خواستند و به اتاق بریفینگ رفتیم. گفتند: «شما و سروان شریفی‌راد باید بلند شوید و وقتی هواپیمای آقای خمینی وارد ایران شد آن را رهگیری کنید و در صورت لزوم بزنید.» سریع گفتم: «من پرواز نمی‌کنم.» گفتند: «چرا؟» گفتم: «من هواپیمای سید اولاد پیغمبر را نمی‌زنم.» گفتند: «اگر سرپیچی کنی اعدام می‌کنند.» گفتم: «هر کاری دوست دارید بکنید.»



داستان ما و تجدد چقدر خوبیم ما!

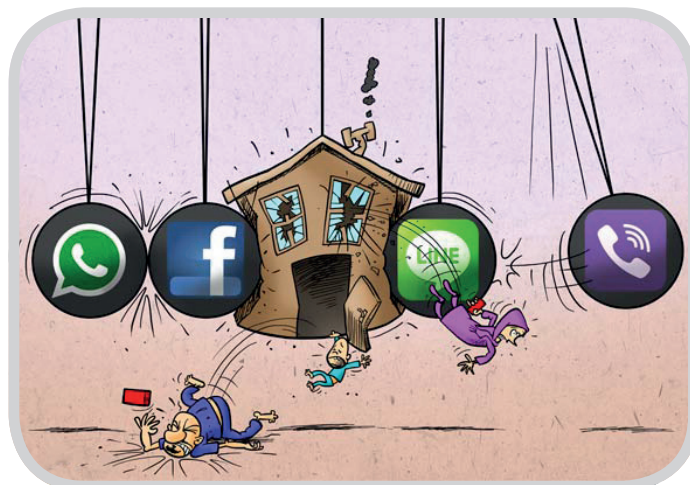
تنهایی حسابی می‌خندیم! ما هنوز هم فعال و در صحنه‌ایم! ما همه روزه کلی اخبار از ایران و جهان می‌شنویم و چون به فرستنده اطمینان صد درصد داریم برای دیگران هم می‌فرستیم تا از این اخبار داغ حتی لحظه‌ای عقب نمانند! چه ایرادی دارد که ما به جای صرف هزینه و خریدن گل و... رایگان استیکر دانلود کنیم و برای دوستانمان بفرستیم؟ به این طریق در هزینه‌هایمان هم صرفه‌جویی کردیم! اتفاقاً از حرف‌های فامیلی‌مان چیزی کم نشده ما آنقدر در گروه‌های فامیلی با هم حرف می‌زنیم که دیگر وقتی همدیگر را می‌بینیم حرفی برای گفتن نداریم! ایرادی هم ندارد فرزندانمان با افراد ناشناس صحبت کنند. عکس‌های پروفایل آنها نشان می‌دهد که اتفاقاً انسان‌های شریفی هستند و زیبایی درونی‌شان در زیبایی بیرونی‌شان به شدت رخنه کرده است! ما دچار شکاف نسلی نشده‌ایم فقط دیگر حرفی برای گفتن با مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌ها نداریم. آیا این بهتر نیست که به جای شنیدن حرف‌های گاه‌تکراری آنها در این شبکه‌ها به دنبال جک‌های خنده‌آوری باشیم تا دل دیگران را بدین صورت خوش کنیم؟ می‌بینید ما حتی اگر حرف‌های متفکران دلسوز را هم قبول کنیم ولی نمی‌توانیم از این افتخارات چشم‌پوشی کنیم. برآستی که ما عجب آدم‌های متجددی شده‌ایم!

می‌رسید؟! شما را چه شده است که آنقدر از هم فاصله گرفتید که فراموش کردید این شما هستید که باید الگوی فرزندانان باشید و شخصیت‌شان را پی‌ریزی کنید! فراموشی شما باعث شده است همگان بگویند ایرانیان بجز بحران‌های اقتصادی با بحران هویت و اختلال در شکل‌گیری شخصیت هم مواجه‌اند و مهمترین علتش همین شبکه‌هاست!

چه شد که به فرزندانان و سایر اطرافیان دلبندتان آموختید که برای یادگیری ارزش‌های ایرانی اسلامی به جای کتاب و سخنان گرم خودمانی‌تان به گروه‌هایی در همین برنامه‌ها پناه ببرند که شما هیچ کدام از اعضای آن را نمی‌شناسید که هیچ حتی نمی‌دانید که جنسیت‌شان چیست! مگر شما سردمدار محافظت و پرورش صحیح فرزندانان نبودید؟ مگر شما همان افراد نبودید که برای زنده نگه داشتن نام اجدادتان نام فرزندانان را از روی اسامی آنها انتخاب می‌کردید پس چه شد که در دام شکاف نسلی ناشی از این شبکه‌ها گیر افتادید؟ شما که مردم فعال و همیشه در صحنه بودید پس چرا این ور و آن ور می‌شنویم که همین شبکه‌های مجازی باعث انزوای اجتماعی‌تان شده است؟ و...»

من نمی‌گویم دلایلشان درست نیست ولی خب پاسخ این است که ما به جای خنده‌های جمعی و خودمانی برای همدیگر جک می‌فرستیم و در

نمایش نه‌ایتاً پنجم هستیم که باز هم مقام رفیعی است و از شأن ما چیزی کسر نمی‌کند. نمی‌دانم چرا متفکرین دلسوز جامعه همچون من از این افتخارات ملی دلشاد نیستند. درست است دلایلی برای خودشان دارند اما آیا این دلایلشان ارزشی والاتر از این افتخارات دارد؟! مثلاً بغض وارانه فریاد می‌زنند که: «ای مردم ایران! ای شمایی که گرمی کانون خانواده با استفاده از تمدن شما تعریف می‌شد! ای شمایی که در فرهنگ اصیل زبانزد غرب و شرق بودید! ای شمایی که دیگر کشورها در ربودن افتخاراتان تمامی تلاششان را مبذول می‌داشتند! ای شمایی که به هر بهانه‌ای ولو به اندازه‌ی یک دقیقه در آخرین روز پاییزی برای دور هم جمع شدن و سخن گفتن و غزل حافظ خواندن استفاده می‌کردید که اندکی بیشتر به گرمای خانوادگی‌تان بیفزائید... شما را چه شده است؟! چه شده است که این شبکه‌های مجازی در بینتان تا این حد جدایی انداخته است که بشود خبر روزنامه‌ها که «امروزه از مهمترین عوامل نارضایتی‌های خانوادگی در ایران استفاده بیش از اندازه از فضای مجازی است!» شما را چه شده است که به جای خریدن گل برای یکدیگر عکس گل برای هم می‌فرستید؟ مگر بوی گل در فضای مجازی به پای عطر دل‌انگیزش در دنیای حقیقی خودمان



ما بر اساس آمار الکسا در استفاده از اپلیکیشن وایبر اول هستیم و حتی از آمریکا و روسیه هم جلوتریم! این بُرد، تلخی رتبه‌ی دومی را در استفاده از برنامه تلگرام و رتبه‌ی سومی را در لاین از بین می‌برد. مشخص است که این افتخارات آنچنان در چشم دشمنان حاضر نشده‌اند به برتری رتبه ما در واتس‌آپ اعتراف نمایند.

ما هنوز هم فعال و در صحنه‌ایم! ما همه روزه کلی اخبار از ایران و جهان می‌شنویم و چون به فرستنده اطمینان صد درصد داریم برای دیگران هم می‌فرستیم تا از این اخبار داغ حتی لحظه‌ای عقب نمانند! چه ایرادی دارد که ما به جای صرف هزینه و خریدن گل و... رایگان استیکر دانلود کنیم و برای دوستانمان بفرستیم؟ به این طریق در هزینه‌هایمان هم صرفه‌جویی کردیم!

مروری بر دستاوردهای علمی انقلاب اسلامی

ایرانی که بود؛ ایرانی که هست!



امیر اکبری



باید به سرعت پیشرفت علم خیلی اهمیت بدیم.

ما باید به این سرعت پیشرفت خیلی اهمیت بدیم. آنکه چشم دنیا را هم خیره کرد، سرعت پیشرفت ما بود اگر پیشرفت علم از دور افتاد و این سرعت کم شد آن وقت دیگر معلوم نیست چه خواهد شد؛ عقب میمانیم. بنابراین سرعت پیشرفت هم مهم است.
سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

علمی، در ردیف شانزدهم تولید علم و در زمره دانشمندان و پژوهشگران ممتاز جهان قرار گرفته‌اند. دستیابی به فن آوری و دانش کامل چرخه سوخت هسته‌ای و قرار گرفتن در ردیف پنج کشور برتر جهان در این زمینه و همچنین ورود موفقیت آمیز و همزمان با سایر کشورهای پیشرفته به عرصه علوم جدید مانند: نانو تکنولوژی که رتبه هفتم جهانی را به خود اختصاص داده و سایر علوم جدید از جمله؛ لیزر، میکرو الکترونیک، ورود به علم ساخت روبات و کسب موفقیت‌های جهانی در مسابقات رباتیک، توسعه ساخت‌افزایی و ساخت ابر رایانه، توسعه نرم افزاری و بهره برداری گسترده از علوم رایانه‌ای در کشور و کسب ۳۶۲ مدال در المپیادهای مختلف علمی جهان، بخش دیگری از دستاوردهای انقلاب اسلامی است، که در کشور سابقه قبلی نداشته است. دستاوردهای انقلاب اسلامی؛ از فرهنگ و اقتصاد تا پیشرفت‌های نظامی افزایش بی‌سابقه ظرفیت دانشگاه‌ها از ۱۵ واحد دولتی به ۶۱۵ واحد (۱۱۵ واحد دولتی ۵۰۰ واحد غیر دولتی) و افزایش تعداد دانشجویان از حدود ۱۷۵ هزار در قبل از انقلاب به بیش از ۴ میلیون ۲۰۰ هزار دانشجو در بعد از انقلاب اسلامی، افزایش تعداد مدارس از ۴۷ هزار به ۱۹۴ هزار واحد برای پاسخگویی به رشد دوپست درصدی دانش آموزان و مقابله با بیسوادی و ارتقاء سطح سواد از ۳۵٪ با سواد ابتدای انقلاب به ۸۸٪ در حال حاضر و کسب جوایز بین‌المللی در این زمینه، از مهم‌ترین مصادیق پیشرفت و توسعه یافتگی در مسیر نهضت نرم‌افزاری به‌شمار می‌رود.

اقتصادی و مراکز صنعتی، شبیخون فرهنگی، نسبت دادن اتهامات مختلف و اعمال فشار سیاسی و امثال آن تمام توان خود را معطوف توقف و یا کند نمودن حرکت کشور در مسیر اهداف انقلاب نموده‌اند و ثانیاً به تعبیر رهبر فرزانه انقلاب در پاره‌ای از موارد مانند؛ عدالت اجتماعی و اخلاق فردی و عمومی، عملکرد مردم و بخصوص مسئولین نیز خالی از نقص و اشکال نبوده و همین مسئله سبب شده تا استفاده بهینه از ظرفیتهای موجود میسر نگردد. یکی از افتخارات غرور آفرین جمهوری اسلامی ایران، رشد روز افزون و حضور فعال کشور در عرصه‌های علمی است، پیشرفت در این زمینه بقدری با سرعت انجام شده است که تا دو سال پیش بیش از ۲۶۱۹۶ اختراع در کشور ثبت شده است، همچنین پژوهشگران ایرانی از نظر پژوهشی با ثبت ۸۵۱۳ مقاله

نومحافظه کار «امریکن این‌تر پرایز» نیز در گزارشی ضمن هشدار به مسئولین آمریکایی در مورد جایگاه آتی ایران به عنوان مرکز توازن قدرت در منطقه و تاکید بر اینکه انقلاب اسلامی در حال تثبیت دستاوردهای خود می‌باشد، اعلام می‌کند: «مهم‌تر از همه اینکه، ظاهراً آمریکا آماده است تا برتری ایران در منطقه را به رسمیت بشناسد.» البته بیان دستاوردهای مورد نظر به معنای دستیابی کامل به تمام اهداف مورد انتظار نیست چرا که اولاً طی این سال‌ها دشمنان اسلام از هیچ کوششی برای جلوگیری از پیشرفت انقلاب اسلامی فروگذار نکردند و با اجرای صدها توطئه خرد و کلان از جمله؛ بلوکه کردن دارائی‌ها و تحریم که در سالهای اخیر شدت یافته، بمب گذاری و تخریب و ترور، ایجاد شورش‌های خیابانی و کودتای نوژه، جنگ تحمیلی، بمباران زیرساختهای

معنوی جامعه، نگاه جهانیان بیش از پیش به سوی اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه وآله وسلم) معطوف گشته است. به عبارت دیگر، طی عمر پر برکت انقلاب اسلامی؛ دستاوردهای جهشی متکی به معنویت این نظام الهی از چنان گستردگی و تنوعی برخوردار بوده که امروزه نه تنها اندیشمندان و صاحب‌نظران بی‌طرف غربی و شرقی، بلکه دشمنان قسم خورده این مرز و بوم نیز بر عظمت آن اذعان داشته و به کارآمدی بالای آن اعتراف دارند. به عنوان مثال «پاتریک سیل» تحلیلگر مسائل خاورمیانه در میدل ایست آنلاین ضمن تأکید بر اینکه ایران در حال تبدیل شدن به یک دموکراسی درخشان است، می‌نویسد: «این کشور تحت حاکمیت روحانیون، هم‌اکنون یکی از آزادترین، مدرن‌ترین و منسجم‌ترین کشورهای خاورمیانه محسوب می‌شود.» و اندیشکده

تردیدی نیست که شأن و شایستگی‌های مردم ایران به عنوان پایه‌گذار یکی خردمندترین تمدن‌های جهان و تعصب غیر منطقی و جاهلانه، آخرین، برترین و کامل‌ترین دین آسمانی را برگزیده‌اند، بسیار بالاتر از چیزی است که هم اکنون به آن دست یافته‌اند، چرا که نه تنها برترین اصول و ارزشهای معنوی و اجتماعی به آن‌ها تعلق دارد، بلکه خداوند به یمن فضیلت‌های انسانی مردم این خطه، نعمت را بر آنان تمام داشته و همگام با اعطای مسئولیت پرچمداری نهضت بیداری جهان اسلام و مبارزه با استکبار، ظرفیت‌های لازم برای الگوسازی و رشد و شکوفایی مادی و معنوی را نیز در این سرزمین، به ودیعه نهاده است. استمرار حرکت به سوی ایجاد دولت، جامعه یا کشور و در نهایت تمدن نوین اسلامی که بزرگ‌ترین آرمان انقلاب اسلامی به شمار می‌رود، نمی‌تواند بدون توجه به مؤلفه‌های معنوی و ارزشهای فرهنگی محقق و به استفاده درست از ظرفیت‌های مورد اشاره منجر گردد و این در حالیست که هم‌اکنون با تشدید چالش‌های موجود در نظام سرمایه‌داری و شکست الگوهای غربی و شرقی که تمرکز بر مادی‌گرایی از اصول اساسی آن‌ها به شمار می‌رود، ناتوانی این مدل‌ها به اثبات رسیده است و متقابلاً با بروز انقلاب شکوهمند اسلامی و تحکیم پایه‌های اعتقادی و ارتقاء سطح دانش

«نه» به ناامیدی دوران تجرد



منیره سادات میراحمدی

دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات زنان دانشگاه تربیت مدرس



می‌باشند. هرگاه میوهی درخت رسید، چاره‌ای جز چیدن آن نیست و اگر چیده نشود، تابش خورشید آن را تباہ می‌سازد و وزش باد مزه‌ی آن را از بین می‌برد». شاید در این زمانه کسی گوشش به این سخنان بدهکار نباشد چون در سنین بالا ازدواج کردن، کم کم دارد در جامعه‌ی ما متعارف می‌شود، اما اگر به آثار زبان‌بار تاهل در سنین بالا توجه کنیم، صحت حدیث را با جان و دل بپذیریم. البته این بدین معنا نیست که پسران در سنین بالا ازدواج کنند و دختران بالعکس؛ بلکه همیشه متعارف این بوده است که دختر در سنین پایین‌تری نسبت به جنس مخالف ازدواج می‌کرده است؛ پس پسران مجرد هم این حدیث را جدی بگیرند. ختامه‌ی کلام این که هرکس با توکل بر خداوند و توان علمی و عملی خود، برنامه‌ریزی مناسبی در زندگی تدارک ببیند و در ضمن به محوری‌ترین بخش زندگی، یعنی زندگی مشترک توجه بیشتری نشان دهد و به بهانه‌ی کار و تحصیل سن ازدواج را به تعویق نیندازد، چرا که به گفته‌ی پیامبر (صلی الله علیه و آله) هیچ بنیادی گذاشته نشده است که در نزد خداوند گرامی‌تر از ازدواج باشد. پس با ازدواج مناسب، نیمی از دینتان را از شر شیطان محفوظ بدارید.

مهم است، نکته‌ای است که خداوند در آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی نور، مجردها را بدان سفارش می‌کند: «و کسانی که وسیله‌ی ازدواجی نمی‌یابند، باید پاکدامنی پیشه کنند تا خدا آنان را از فضل خود توانگرشان سازد...». بنابراین جوانان می‌بایست که «پاکدامنی» را در تمامی فعل و انفعالات، تفریحات و... مدنظر قرار دهند. یکی از بهترین راه‌های استفاده از فرصت همین کسب علم است که همه‌ی شما در حال طریقت آن هستید. فزونی علم به کسی ضرری نرسانده و از این پس هم نمی‌رساند (البته در صورتی که دختر خانم‌ها جنبه‌ی این همه تجمیع معرفت رو داشته باشند)، چون طبق سخنان یکی از آسیب‌شناسان اجتماعی، دختران تحصیل کرده و البته شاغل، به دلیل خودکفایی و تغییر نگرش نسبت به ازدواج، لگد به بخت خود زده و از ازدواج روی برمی‌گردانند! اما ما امیدواریم که این علل و عوامل هم نادرست باشند، چون همانطور که پیشتر اشاره شد، سن ازدواج را نباید به تعویق انداخت. در کلامی از امام رضا (علیه السلام) (با ذکر حدیث قدسی) است که می‌فرمایند: «دختران شما همانند میوه‌ی درخت

و سختی‌هایی روبروست. اما سکون هم معنایی ندارد، چرا که این سکون، در جازدن و خلوت‌گزینی، نه تنها دردی را درمان نمی‌کند، بلکه موجبات مصائب بعدی است. بهترین راه این است که در ابتدا به خدا توکل کرد. اینکه ازدواج را به خدا بسپاری و از طرفی هم تلاشت را برای بهترین انتخاب بکنی. پس از آن می‌بایست که از فرصت‌ها به بهترین نحو ممکن استفاده کرد؛ بدین معنا که اوقاتی را به بطالت نگذرانید. البته همیشه بایستی تفریح سالم و استراحت را در برنامه‌ی زندگی قرار دهید، یعنی غذای روح و جسم را هم در نظر گرفت. اما چیزی که این وسط

سن. همیشه هم چندین گردن این وسط هست که می‌شود تقصیر را بر او انداخت: توی دانشجو، پدر و مادر، خواستگاری که نیست و یا زیاد هست و خوب نیست، مهریه، جهیزیه و... و یا برای جنس مقابل: نیافتن مورد مناسب، وضعیت بد اقتصادی، عدم اشتغال، توقعات بالا و... اینکه چقدر آمار درست می‌گن رو نمی‌دونیم، که اگر باشه فاجعه است. و اینکه چرا تا الان مجرد هستین، هم بماند. اینجا قصد شکنجه‌ی روحی و آزار کسی نیست. بررسی علل عدم ازدواج، خود طوماری بلند و بالا می‌طلبد. نیز درست است که شرایط و لوازم ازدواج باید مهیا شود، اما در تدارک این شرایط، نباید سن طبیعی ازدواج را به تأخیر انداخت، چرا که قطعاً همگی به آثار زبان‌بار آن واقف‌اند، مثل آسیب‌های فردی و اجتماعی، ناامنی روانی، تشویش و اضطراب و... اما بالاخره چه می‌شود کرد، دنیا محل مقابله‌ی با سختی‌هاست، این سخن خود خداست: «ای انسان! یقیناً تو با کوشش و تلاشی سخت به سوی پروردگارت در حرکتی». خب قطعاً کسی که در سن ازدواج هست ولیکن مجرد، با مشغولیت‌های ذهنی

نوشتن راجع به این موضوع برایم کمی سخت بود. اینکه چه چیزی بنویسم که به مجردها برخورد و از طرفی هم دست روی دلشان نگذارم که قطعاً خون خون است. خواستم اول با یک آمار و آرقامی از تعداد مجردان در سن ازدواج شروع کنم، اما منصرف شدم؛ آخه طبق آمار «۹۸۰ هزار نفر از خانم‌ها و ۳۲۰ هزار نفر از آقایون» در سن متعارف ازدواج یا همان قبل از تجرد قطعی هستند! البته دختر خانم‌ها نگران نباشند چون آمار نشان داده که «تا سال‌های قبل از سال ۹۰، تعداد دختران مجرد در سن ازدواج بیشتر از پسران بود، اما در سال‌های اخیر این موضوع در حال معکوس شدن است و تعداد پسران مجرد در سن ازدواج در حال افزایش است». هدف از نوشتن این آمار و ارقام نه سرزنش مجردانی است که سن و تعدادشان رو به فزونی است، و نه تشویق به مجرد ماندن. اما دروغ چرا؟! باید کمی سرزنش کرد علت عدم ازدواج را تا به این



با تشکر از روابط عمومی دانشگاه

مطالب مندرج در نشریه، فقط بیانگر دیدگاه‌های نویسندگان است. چشمه در چکیده سازی و ویرایش مطالب، آزاد است. استفاده از مطالب نشریه، با یاد منبع، مانعی ندارد.

صاحب امتیاز: دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه تربیت مدرس
مدیر مسئول: حجت الاسلام دکتر علی فلاح رفیع
سردبیر: مرتضی فاضلی
مدیر اجرایی و ویراستار: سودابه شجاعی
دبیر تحریریه: سیامک شادکام
گرافیکست و صفحه‌آرا: سعید خیراله
مجرى طرح: موسسه فرهنگی هنری کیمیا مهر معرفت

ماهنامه‌ی فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و خبری دانشگاه تربیت مدرس

عربستان تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌الملل است

دستگاه دیپلماسی باید مقابل عربستان بهتر عمل می‌کرد



طاها رضوانی

دکتر محسن اسلامی استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس هستند. در سابقه اجرایی ایشان عنوان مدیرکل فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به چشم می‌خورد. از وی تاکنون تالیفات گوناگونی به چاپ رسیده است. آنچه در ادامه می‌آید حاصل گفتگوی ما با ایشان در موضوع بررسی سیاست‌های عربستان در منطقه و دلایل رفتارهای خصمانه این رژیم با جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

چرا در چند سال اخیر عربستان در سطح منطقه بیرون از مرزهای خود اقدامات تحریک‌آمیز و ناپخته انجام می‌دهد؟ (مانند حمایت از تروریست‌ها و جنگ یمن و این‌آخری هم شهادت شیخ نمر)

در یک دهه‌ی گذشته موج افراط‌گرایی و گسترش صدور اندیشه‌های سلفی و وهابی در کشور عربستان سعودی شدت گرفته است و منجر به این شده که جامعه‌ی عربستان از این موج متاثر شود. وعاظ و جامعه‌ی فکری وهابی، دانشجویان، اساتید مرتبط با این رشته‌ها و همچنین دانشجویان خارجی در عربستان، متاثر از این موجی هستند که در قله‌ی مسلمین قرار دارد. (گرچه در دهه‌های گذشته در عربستان ما شاهد یک سکولاریته بودیم تا یک دولت پمپاژکننده‌ی تفکر مذهبی و سلفی). دلیل اصلی آن موفقیت‌های جمهوری اسلامی ایران در دهه‌ی گذشته بود که در صحنه‌ی امت اسلام موفق عمل کرد و توانست ادبیات و تفکر انقلاب اسلامی را وارد عرصه‌های مردمی سازد. ادبیات انقلاب را در کشورهای اسلامی رشد یافت و این باعث ایجاد پدافندی از سوی سعودی شد. این باعث شد که سعودی‌ها به دنبال مهار باشند ابتدا در حوزه‌ی فکری و تبلیغات سلفی و وهابی کار کردند و از آن نتیجه‌ای نگرفتند، بعد وارد عملیات نظامی شدند، ابتدا هم عملیات نظامی نیابتی انجام دادند و بدین



جهت که یمن را در حقیقت همسایه خود می‌دیدند وارد عملیات نظامی مستقیم با آن شدند. دلیل دوم آن هم این است که ورود الیت جدید قدرت، در حقیقت سیاست کهنه‌ی عربستان را تغییر داد. این سیاست کلاسیک و کهنه همواره از ماجراجویی‌های نظامی فرار می‌کرد و عادت به پنهان شدن پشت بلوک غرب داشت اما اقدام نظامی یا ماجراجویی‌های سیاسی نظامی جدید در منطقه از ویژگی‌های اصلی پادشاهی جدید است.

فرا از اینکه یکی از دلایلی که عربستان به این جنون رسیده و انتحاری در منطقه عمل می‌کند نفوذ جمهوری اسلامی در منطقه است، چقدر این امکان هست که عربستان بازوی عملیاتی آمریکا در منطقه باشد؟ در متون سنتی این را داریم که عربستان سعودی وابسته به آمریکا است این گزاره‌ی علمی است که نباید تردید کنیم. اما در یک مقطعی عربستان سعودی به جهت مشکلات داخلی اقداماتی را انجام می‌دهد که تا حدودی با سیاست‌های ایالات متحده‌ی آمریکا تطابق ندارد. آنچه در وضعیت کنونی عربستان می‌بینیم عدم انسجام داخلی، رقابت و نزاع قدرت سیاسی میان شاهزادگان است که منجر به این شده که عربستان سعودی اقدام نظامی را به نوعی برای حل بحران‌های داخلی در سرلوحه‌ی کاری خود قرار دهد. نمونه‌اش گردن زدن ۴۷ نفر در یک روز آن هم در هفته‌ی اول میلادی است که این اقدام نشان‌دهنده‌ی فوران مشکلات داخلی است. در عالم سیاست، جنگ‌ها دست دولتمردان را باز می‌گذارند برای هرگونه اقدام سیاسی. مانند کاری که جورج بوش پدر و پسر در عراق و افغانستان انجام دادند و این‌ها دلیل اینکه مشروعیت داخلی آنها محدود بود و لذا به سمت اقدامات نظامی رفتند و این کمک کرد تا مسائل داخلی را به آن نحو که می‌خواهند هدایت کنند. اتفاقی که در عربستان افتاده این است که عربستان در دوره‌ی جدید به واسطه‌ی ظهور افرادی مثل محمدبن سلمان که تفکرات افراطی وحشتناک دارد اینها درحقیقت برای اینکه مشروعیت خود را در داخل تثبیت کنند به اقدام نظامی مستقیم و آشکار روی آوردند اقدامی که طبعاً فرسایش را همراه دارد اما ما هنوز این گزاره را تایید می‌کنیم که ایالات متحده نقش اصلی در سیاست‌های عربستان را دارد. اما ما از سیاست‌های پنهان دولت عربستان مطلع نیستیم مثل توافقات با اسرائیل که می‌تواند بعنوان یک عامل موثر در اتخاذ سیاست‌های عربستان جدید در منطقه بدون لحاظ نقش آمریکا عمل کند. عربستان در سال‌های گذشته روابط دوستانه و صمیمی با حاکمیت اسرائیل برقرار کرده و همین امر امکان

بنظر شما چه میزان روشننگری دستگاه‌های سیاست خارجی ما در این زمینه موفق بوده است؟

دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی بخصوص وزارت امور خارجه دقت لازم را در این خصوص باید داشته باشد. می‌بایست روشننگرانه اقدامات تبیینی خود را بیش از آنچه که می‌بینیم انجام دهد. ما باید بپذیریم اقدامات تبیینی ما برای کشورهای اسلامی بسیار اهمیت دارد. سفرای ما در کشورهای اسلامی باید بعد از شهادت آیت الله نمر از وزیر امور خارجه آن کشور درخواست وقت می‌کردند و مراتب اعتراض خود را اعلام می‌کردند. لذا وقتی این فضا مورد تبیین قرار می‌گیرد کشورهای اسلامی در خصوص سیاست‌های عربستان منفعل عمل نخواهند کرد. اگرچه پول‌های کثیف عربستان تأثیرگذار است اما این سقف دارد و ما نمی‌توانیم همیشه برای پول‌های عربستان تأثیر قائل شویم و لذا باید تبیین بهتر و اقدامات روشننگری صورت می‌گرفت. بنظر می‌رسد که می‌بایست یک مقدار مسائل منطقه را جزو مسائل با اهمیت بدانیم. مادی زندگی می‌کنیم که نیازمند تعامل با همسایگان و کشورهای

سیاست‌هایش اصیل است. ما معتقد هستیم آن زمانی که به بوسنی کمک کردیم به جهتی که اینها مسلمان بودند طبعاً کار صحیحی انجام دادیم. البته خیلی از کشورهای دیگر هم کمک کردند. فرض کنید عربستان سعودی زمانی هواپیمای سودان را راه نمی‌دهد اما الان روابط خوبی با این کشور دارد این نشان می‌دهد که عربستان توانسته است سودان را همراه خود سازد و این کشور بیکار ننشسته است. طبعاً ما هم باید اقدام خودمان را انجام دهیم. در مجموع جمهوری اسلامی هنوز پایبند اصول خودش است و این نیست که محور مقاومت را تقویت می‌کند. چه سنی باشد چه شیعه! ما به دنبال سیاست‌های پنهان و دوگانه نیستیم.

این بدین معنا نیست که سیاست‌های ما با نقص روبرو نیست نکته‌ی اصلی این است که اراده و حرکت اصلی ایران تغییری پیدا نکرده است. ما به دنبال دفاع از مظلوم و استقلال هستیم و تعهدی به بلوک‌های قدرت نداریم بعنوان مثال برجام را دنبال می‌کنیم و اعلام می‌کنیم با ایالات متحده در خصوص غیر برجام کاری نداریم ما از سیاست‌های نفوذ نگران هستیم اینها در حقیقت نشان می‌دهد که سیاست ما در مقابل غرب تغییر نکرده است. همین اصول باعث شد که سیاست‌های ما در مقابل عربستان منجر به انسجام گروه‌های متعدد شود. جمهوری اسلامی ایران با همین سیاست‌هایی که در آن اصالت دارد و وابسته نیست توانسته است عربستان سعودی را به سمتی ببرد که حتی روسا و اربابانشان این حرکت را نفی کنند و این گروه‌هایی که مخالف ایران بودند در برابر کشتار ۴۷ نفر سکوت کرده‌اند و نمی‌دانند چیکار کنند. ما باید همواره توجه داشته باشیم آینده‌ی جهان اسلام در گرو همین انسجام‌سازی‌های جمهوری اسلامی است که در آن تخصص دارد.

اسلامی هستیم و اصولاً جمهوری اسلامی ایران با منطق راستین خودش حرف برای گفتن دارد و بنظر می‌رسد باید در برابر آل سعود اقدامات تبیینی خود را تقویت کند و افکار عمومی جهان را به این سمت ببرد که عربستان سعودی تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی است.

به نظر شما دستگاه دیپلماسی ما نمی‌توانست بیش از اینها در این قضایا فعال باشد؟

انتقاد جدی به دستگاه دیپلماسی ما در خصوص تعامل با عربستان وجود دارد. اساتید روابط بین‌الملل نظرات جدی در خصوص نوع تعامل با عربستان دارند. شاید یکسری اقدامات دولت عربستان سعودی به واقع متاثر از سیاست‌های خارجی ما باشد. چرا که برخی عقیده دارند که عربستان سعودی به دنبال بی‌تأثیر کردن برجام است اما با این حال ما نباید به خاطر چتری که مسئله برجام بر دولت حاکم کرده در برابر عربستان سعودی منفعل باشیم. باید همانطور که برجام برای ما مهم است جهان اسلام هم مهم باشد. همانطور که مقام معظم رهبری همواره این را تاکید داشتند ما نباید از دیپلماسی فعال در جهان اسلام غافل باشیم.

برخی معتقد هستند دستگاه سیاست خارجی ما در برخی از جاها سرمایه‌گذاری اشتباه می‌کند مانند سودان و جیبوتی و بوسنی. نظر شما در این باره چیست؟

بطورکل سیاست‌های جمهوری اسلامی سیاست‌های صحیحی است. اصولاً ایران تنها کشوری است که در مورد سیاست‌های دفاع از مظلوم پایبند بوده است. جمهوری اسلامی در پایه‌ریزی این سیاست‌ها با رقبای و دشمنانی روبرو است آنچه که الان ما می‌بینیم این است که رقبای و دشمنان ما به این سمت رفتند که نفوذ جمهوری اسلامی را خنثی کنند و تاحدودی موفق بودند. اما جمهوری اسلامی ایران